



# انترناسیونال

## ۳۲۲

**حزب کمونیست کارگری ایران**  
Worker-Communist Party of Iran

جمعه ۲۲ آبان، ۱۳ نوامبر ۲۰۰۹

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



**منصور حکمت**

[www.m-hekmat.com](http://www.m-hekmat.com)

جمعه ها منتشر میشود Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com سردبیر: محسن ابراهیمی



## بیانه حزب کمونیست کارگری ایران درباره تظاهرات ۱۳ آبان و انقلاب حاضر

تظاهرات وسیع و رادیکال ۱۳ آبان شهر کرد و شهرهای دیگر یکبار در تهران، اصفهان، شیراز، تبریز، رشت، مشهد، اهواز، قزوین، اراک، یاسوج، تفرش، شهریار و

صفحه ۳

**16 آذر روزی در تداوم  
روزهای انقلاب  
به استقبال ۱۶ آذر برویم**  
شهلا دانشفر

۱۳ آبان پرشوری را پشت سر گذاشتیم. و اکنون ۱۶ آذر روز دانشجو، روز اعتراض وسیع و سراسری در پیش است. اکنون دیگر چنین روزهایی، نه تنها

صفحه ۷

بعنوان مناسبتی که سنتا در آن اعتراضاتی شکل میگیرد، بلکه بعنوان روزهایی در تداوم انقلاب مهم است و این کل جامعه است که به استقبالش میرود. به عبارتی روشنتر مردم از همه این

## انقلاب جاری، دستاوردها و سخنی با رفقای کمونیست

اصغر کریمی

سیزده آبان خیلی ها را از خواب بیدار کرد. حالا "تابوی" انقلاب را میتوان حتی از مفسرین و رسانه های غربی هم شنید. پنج ماه است از گفتن این حقیقت ساده که انقلابی در ایران شروع شده است

صفحه ۱۰



**احسان  
فتاحیان  
اعدام شد  
در همه جا  
بیاد احسان**

صفحه ۸

## دانش آموزان و دانشجویان

### در صف انقلاب!

گفتگو با نوید مینایی

صفحه ۱۴

ستون اول محسن ابراهیمی

## ۲۰ سال بعد از فروری دیوار برلین!

این هفته مردم جهان شاهد مراسم بیستمین سالگرد فروری دیوار برلین بودند. روسای سرمایه داری غرب و بلوک شرق سابق، در محل این دیوار حضور بهم رساندند و بار دیگر نفرت خود بر علیه سوسیالیسم و برابری طلبی و انسانیت را جار زدند. همه این رهبران، در کنار ابراز احساسات مزورانه شان برای سعادت و آزادی بشر، در یک چیز دیگر هم کاملاً شبیه هم ظاهر شدند: تاکید بر دروغ عظیم انتهای قرن بیست. اینکه دیوار برلین نمادی از سوسیالیسم بود و فروری اش هم نمادی از پایان سوسیالیسم. اینکه فروپاشی دیوار برلین نماد و سمبل پیروزی سرمایه داری بازار آزاد بر "کمونیسم" و به تبع آن استقرار جهانی آزاد و انسانی بوده است. اینکه پیروزی بازار آزاد دنیای بهتری برای بشر به ارمغان آورده است. در پشت این کارناوال مشعشع که از هر کلمه سخنرانیهایش دنیایی از شیبای سیاسی می بارید، حقایق زندگی مردم در کشورهای بازمانده از بلوک شرق در دو دهه بعد از فروپاشی دیوار برلین تصویری عیقمقا متفاوت ارائه میدهد.

آشی که پیروزی سرمایه داری بازار آزاد بر سرمایه داری دولتی برای مردم بلوک شرق پخته بود آنچنان شور بود که یکی از قدیمی ترین و معتبرترین مدافعین و سخنگویان سرمایه داری بازار آزاد یعنی اکونومیست - آنهم درست در لحظه ای که سلحشوران قدیم و جدید مدافع بازار آزاد در محل سابق دیوار برلین در باره محسنات سرمایه داری بازار آزاد پیاوه میبافتند - نوشت: "حتی در بالاترین مقطع شکوفایی کشورهای سابقا کمونیست در سال ۲۰۰۶، احساس تقریباً

صفحه ۲

## در باره کنگره ۷ سؤالاتی از دفتر سیاسی

صفحه ۶

## در صفحات دیگر بیست سال فروپاشاندن

اعتراض به سفرای فرهنگی جمهوری اسلامی در تورنتو  
اعتراضات کارگری

## باز تاب هفته:

- \* ندا بر بام جهان
- \* نمایشی مشمژ کننده و مذبحانه
- \* مرگ بر اعتیاد! زنده باد انقلاب!
- \* دوران خوش، جناح بازی به پایان رسیده است

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

نصف شهروندان این کشورها این بود که شرایط زندگی آنها نسبت به سال ۱۹۸۹ بدتر شده است. "اعترافی کوتاه و بی احساس به این حقیقت که پیروزی سرمایه داری بازار آزاد و شکست به اصطلاح سوسیالیسم یک دنیای نابرابر و غیر انسانی بر جای گذاشته است. در پشت این اعتراف ساده، جهانی از تبعیض و فقر و گرسنگی و جنایت و خون و اشک خوابیده است. در همان لحظه هلهله سران در برلین، بی بی سی دوربین را در مقابل زنی از بلوک شرق گرفت که اگر میتوانستی یک بار دیگر به مقطع ۸۹ برگردی چه کار میکردی؟ زن با چهره ای غمگین و چشمانی پر اشک و بغضی گرفته از بی مسکنی و بیکاری و ناامیدی به آینده سخن گفت و اینکه از همه چیز مهمتر برایش کار و مسکن و نان است. این زن و زندگی و آرزوهایش، انعکاسی از زندگی و آرزوهای میلیونها زن و مردی است که به یمن پیروزی بازار آزاد، و البته در کنار میلیاردرهای تازه بلورن رسیده روسیه و جوامع باز مانده از فروپاشی بلوک شرق، نه سرنهایی و نه کاری و نه امیدی به آینده دارند.

نه بریایی دیوار برلین به سوسیالیسم ربط داشت و نه فروریزی اش به فروپاشی سوسیالیسم. دیوار برلین در اوج رقابت و تقابل دو ابرقدرت جهانی، دو مدل سرمایه داری، سرمایه داری دولتی و سرمایه داری بازار آزاد برپا شد. این دیوار در مقطعی از توازن میان این دو قطب برپا شد تا قطب نوپای سرمایه داری بلوک شرق، در مقابل قطب دیگر، روی دوش کار اجباری میلیونها کارگر پشت این حصار به صنعتی شدن و رقابتش با اردوی مقابل ادامه دهد. همین دیوار، در توافقی دیگر میان این دو قطب، این بار با هجوم تبلیغاتی سرمایه داری بازار آزاد و برای شکست کامل رقیب یعنی بلوک شرق ویران شد. معنای فروریزی این دیوار برای مردمی که در سال ۸۹ در مراسم فروریزی این دیوار شرکت کردند عمیقاً متفاوت از سران دول غرب بود. آن مردم پشت دیوار برلین واقعا رفاه و آزادی جستجو میکردند اما سران غرب این هدف را دنبال میکردند که روی خرابه این دیوار پرچم شکست هر نوع مبارزه برای آزادی و برابری را به اهتزاز درآورند. اگر در دهه شصت، قطب سرمایه داری دولتی شرق به نام و با توجیه

بلغارستان، مولداوی، رومانی و اوکراین به مراکز قاچاق زنان و دختران جوان تبدیل شد. باندهای فحشا سازمان یافته و شبکه های قاچاق بردگان جنسی رواج پیدا کرد. یک سر این شبکه ها در آمستردام و لندن و پاریس و آمریکا و سر دیگرش در ارتش و پلیس همین کشورهایی که به "آزادی" دست پیدا کرده اند بود. مافیای نوپای روسیه میدان دار شد که عملیاتش را از مجلترین هتل های لندن و سواحل برایتون در ایالت نیویورک آمریکا که به "اودسای کوچک" مشهور است سازمان میدهد و در همه ابعاد زندگی اقتصادی و سیاسی روسیه پنجه انداخته است و بخش مهمی از اقتصاد روسیه را در چنگال خود گرفته است.

فقر در یک طرف و ثروت در طرف دیگر به نرم حیات اقتصادی تبدیل شد. مجله فوربز که هر سال بزرگترین ثروتمندان جهان را - لاند به مثابه نشانه ای از فرصت های طلایی در سرمایه داری - به اطلاع عموم میرساند از تنهایی در آمد. هفته نامه روسی "فینانس" متولد شد که فهرست میلیاردهای روسی را منظم منتشر میکند که گاهی از لیست فوربز هم جلو میزنند. فقط چند مثال: "رومن آبرامویچ" مالک باشگاه فوتبال چلسی لندن و ثروتمندترین مرد روسیه در سال ۲۰۰۶. ثروت: ۲۱ میلیارد دلار! "ولادیمیر پاتنین"، صاحب کارخانه نیکل «نور نیکل» و "میخائیل پورخوروف". ثروت هر کدام: ۱۴ میلیارد ۲۰۰ میلیون دلار! خانم "یلنا باتورینا" همسر شهردار مسکو، ثروتمندترین زن روسیه. ثروت: ۶ میلیارد دلار! هفته نامه فینانس با افتخار به اطلاع مردم رسانده است که ثروت خانم باتورینا در یک سال سه برابر افزایش یافته است! و شمار میلیاردرهای روسیه از ۵۰ نفر پارسال به ۶۱ نفر رسیده و مجموع ثروت آنها از ۹۵ میلیارد دلار به ۱۴۵ میلیارد دلار رسیده است! و برای اینکه به ابعاد خدمات پیروز بازار آزاد که سران غرب در باره اش با وقاحت تمام در محل دیوار برلین دروغ بافتند پی برید به سراغ همین هفته نامه بروید و بخوانید: ۳۲ تن از میلیاردرهای روس نمایندگان دوما یا شورای فدراسیون هستند. معلوم میشود که پیروزی بازار آزاد واقعا چقدر نیکبختی و سعادت و رفاه تقدیم شهروندان کرده است!

میبینید که به درجه ای که

"آزادی" وعده داده شده توسط ریگان و بوش و کوئل و گورباچف گسترش یافته همانقدر هم حق انسانها از امنیت و آرامش و رفاه و زندگی انسانی کاهش یافته است. بی مسکنی و بی دارویی و بیکاری و بی آیندگی و تن فروشی و جنایت و دزدی و مافیای و انباشت نجومی ثروت در دست سرمایه داران نوپا در یکطرف و گسترش فقر سرسام آور در طرف دیگر و مذهب و قوم پرستی و راسیسم و تبعیض و آدمکشی کاملاً آزادانه و فارغ از هر کنترلی رواج یافته است و البته سران وقیح مدافع بازار آزاد منتظماً به شهروندان نگران اطمینان میدهند که همه این اوضاع ناشی از شوک "انتقال" است!

۲۰ سال از آن تاریخ گذشته است. دودی که دستگاههای تبلیغاتی سرمایه داری در مغز و روح و چشم میلیونها انسان خواهان زندگی انسان پراکنده بودند کنار رفته است و قریبانیان یکه تازی سرمایه داری بازار آزاد با چشم خود دیده اند و با جسم و روح خود احساس کرده اند که همه آن وعده ها دروغهایی بیشرمانه بوده اند. شهروندان تشنه آزادی و رفاه متوجه شده اند که آن هیجان اولیه ضد کمونیستی که به نام آزادی و رفاه به جامعه پمپاژ میشد جاده ای برای به خاک سپاه نشاندن این شهروندان و انباشت سرمایه برای سرمایه داری جهانی و ساکت و خاموش کردن کارگران و بی حرمت کردن و تحقیر آرزوها و امیال انسانی همین شهروندان بوده است. آری، بیست سال گذشته است و آن هیجان اولیه ضد کمونیستی جایش را به انزجار از واقعیات مشقت باری که سرمایه داری به مردم در جهان تحمیل کرده داده است. روندها برعکس شده اند. خودآگاهی اجتماعی و سیاسی میلیونها شهروند مقطع فروریزی دیوار برلین عمیقاً زیر و رو شده است. همان شهروندانی که در تخریب این دیوار شرکت کرده بودند تا به رفاه و آزادی دست یابند اما به جایش فقر و استیصال تحویل گرفته بودند ناگزیرند به همان جنبشی رو کنند که میتواند نیازهای انسانیشان را متحقق کند. همزمان با بازگشت مارکس و کاپیتال در خود کشورهای غربی، مارکس و لنین و انقلاب اکتبر و دستاوردهایش برای مردمی که زیر تعرض کاپیتالیسم افسار گسیخته بازار آزاد له شده اند اعتبار پیدا کرده اند. برای مردم بیش از پیش معلوم شده است که آن جنگ صلیبی که مرتجعینی مثل تاچر و ریگان و کوئل زیر پرچم دموکراسی علیه کمونیسم راه انداخته بودند در واقع

جنگی برای باز پس گرفتن آخرین ته مانده دستاوردهایی بود که مردم کشورهای شرق به یمن انقلاب اکتبر هنوز از آن بهره مند بودند؛ برای تبدیل کردن نیروی کار میلیونها کارگر در بلوک شرق به منبع انباشت سود و ثروت در دست اقلیتی مفتخور و تولید میلیاردرهای تازه بوده است؛ تلاشی سازمان یافته برای مدفون کردن سوسیالیسم و برابری خواهی و رفاه طلبی کارگر بوده است؛ برای اعلام پایان سوسیالیسم بوده است؛ برای اعلام جادوان بودن سرمایه داری بوده است؛ برای اعلام نظم موجود و سرمایه داری پیروز به مثابه پایان تاریخ بوده است. اما مثل همیشه، روندهای تاریخی و اجتماعی را آرزوها و امیال و ایدئولوژیهای ارتجاعی رقم نمیزنند. اگر هجوم ضد کمونیستی دو دهه پیش صدبار بیشتر و قدرتمندتر هم بود؛ اگر صدبار قویتر و وسیعتر هم تلاش میکردند یک نظام نابرابر و تبعیض گر را با آزادی و سعادت تداعی کنند؛ اگر با قدرتی هزاران بار بیشتر هم تلاش میکردند سوسیالیسم را با اختناق و فلاکت تداعی کنند؛ هنوز این حقیقت را نمیتوان انکار کرد که مردم جهان و اینجا مردم بلوک شرق علیرغم غوغای ضد کمونیستی رهبران سرمایه داری، رفاه و آزادی و امنیت میخواستند نه کشتار قومی، نه عنان گسیختگی مذهبی، نه یکه تازی مافیا، نه لشکر بیکاران و کودکان خیابانی و بردگی جنسی. اگر در مقطع فروپاشی دیوار برلین، ایدئولوژیهای سرمایه میخواستند زندگی خاکستری و اختناق سیاسی در جوامع بلوک شرق را سوسیالیسم جا بزنند و روی انزجار شهروندان این جوامع از چنین زندگی و تسامیل و آرزویشان برای زندگی بهتر و آزادی و رفاه سوار شوند و سرمایه داری افسار گسیخته بازار آزاد را به عنوان ناجی به مردم بفروشند؛ امروز همین سرمایه داری لخت و عور در مقابل مردم قرار گرفته است. طبقه کارگر این جوامع سیمای سرمایه داری و دموکراسی اش را در چهره بیکاران و گرسنگان و تن فروشان و کودکان خیابانی و مرگ و میر در خیابانها و باندهای مذهبی و قومی خونخوار میبینند. شرایط برای بازیابی اعتبار سوسیالیسم در میان محرومان، مبارزه ریشه ای با ریشه مشقتهای بشر، مبارزه رادیکال با سرمایه و در یک کلام، شرایط برای عروج کمونیسم، به مثابه یک جنبش رهایی تمام عیار انسان فراهم تر شده است.\*

## بیست سال فروپاشیدن



ناصر اصغری

نهم نوامبر امسال همزمان بود با بیستمین سالگرد جشن و پایکوبی دمکراسی بازار آزاد بر خرابه های دیوار برلین. بیست سال زندگی مردم در دو قطب شرق و غرب و وسط این دو را فروپاشاندند. اثرات این فروپاشی را هر روزه بر زندگی مان می بینیم. اوجگیری قوم گرایی و میدان دار شدن ارتجاع مذهبی فقط دو جنبه زمخت از اثرات این فروپاشاندن است. باید در جای دیگری به جوانب مختلف این فروپاشی و فروپاشاندن پردازیم. اینجا در حاشیه شادی و هلهله سرداران قطب "پیروز" به نکاتی لازم دانستم اشاره کنم.

سرا آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان، روسیه و غیره در این سالگرد از پائین آمدن دیوار برلین، "که نماد ظلم و ستم بود" و "گمونیستها آن را برای دور نگه داشتن شهروندان آلمان شرقی از آزادی برپا داشته بودند"، سخن سرانی کردند. حداقل بیست سالی است که چنین دروغهایی را به خورد ما می دهند. بیست سالی است که تاریخ را جلوی چشمان باز و

وضعیت یکدیگر کردند. به همدیگر شاخ و شانه کشیدند. جنگ و تبلیغات روانی علیه همدیگر راه انداختند. و دیوار برلین حاصل همین موش دوانی بود.

اکنون دیوار برلین فرو ریخته است. دنیا ظاهراً یکدست شده و رهبری آن هم در دست آمریکاست. همان کسانی که انقلابی بر علیه شان شده بود، اکنون لباس احزاب دمکرات، لیبرال، محافظه کار و سوسیال دمکرات به تن کرده و با دمکراسی و انتخابات پارلمانی بر همان انقلاب کنندگان حکومت میکنند. قراردادهای میبندند و عضو اتحادیه اروپا، ناتو و بازار مشترک شده اند. به حکومت کنندگان هم دمکراسی می دهند تا نوش جان کنند.

### انسان شایسته هر دو است

نظم نوین جهانی، نظم بعد از فروپاشی بلوک شرق، نظم خونینی است که آغشته به گرسنگی و به فقر کشاندن جوامع است. میلیونها انسان یک شبه بیکار میشوند. بازار سهام با بیکار شدن و گرسنگی کشیدن انسانها جشن و شادی راه می اندازد و شبانه صدها پوان بالا

است. گسترش اعتصابات کارگری در هفته های گذشته و بیوستن مردم به صفوف تظاهرات کارگران در اهواز از حضور قدرتمند تر صف متشکل کارگران در آینده نزدیک خبر میدهد. بدین ترتیب تظاهرات ۱۳ آبان یک نقطه عطف مهم در پیشروی انقلاب در ایران بود. انقلاب اکنون قدرت و استحکام بیشتری یافته، سیمای چپ و رادیکال آن متعین تر میشود و با گام های استوار به پیش می رود. اولین نتیجه این وضع تشدید نزاعهای درونی جمهوری اسلامی نه فقط بین جناح حاکم و مغضوب بلکه حتی در صفوف جناح غالب خواهد بود. روحیه نیروهای سرکوب بیش از پیش تضعیف خواهد شد و فضای فعالیت سیاسی و انقلابی گسترش خواهد یافت. اشکال سازماندهی توده ای و حزبی ارتقاء خواهد یافت و توده های وسیع مردم برای سرنگونی انقلابی رژیم و بدست گرفتن سرنوشت خود و اداره اوضاع پس از جمهوری اسلامی آماده خواهند شد. تظاهرات ۱۳ آبان موقعیت نیروهای راست جامعه بطور کلی را نیز تضعیف کرد. کسانی که به

### از صفحه ۱ بیانیه حزب کمونیست کارگری ...

رسمی ضریان و ریتم منظمی یافته است. با تظاهرات های گسترده و پرشور ۱۳ آبان انقلاب نه فقط ادامه کاری خود را اعلام کرد بلکه نشان داد که در هر گام بیشتر نیرو میگیرد و بخش هر چه وسیعتری از جامعه را علیه رژیم اسلامی بسیج میکند و بیدار می آورد. تظاهرات های وسیع دانشجویی در سراسر کشور در هفته های منتهی به ۱۳ آبان و همچنین حضور پررنگ تر دانش آموزان دبیرستانی در صف انقلاب مبارزات بازم پرشورتر جوانان برای خلاصی جامعه از سر رژیم اسلامی را نوید میدهد. نقش دختران و زنان در تظاهرات ۱۳ آبان و حمله وحشیانه و تدارک شده نیروهای سرکوبگر به زنان تاکید دیگری بر این حقیقت میگذارد که انقلاب حاضر، انقلابی زنانه است. نه فقط بخاطر آنکه زنان و دختران یک نیروی محرکه اصلی آن هستند، بلکه به این معنی که برابری بی قید و شرط زن و مرد و تغییر کل فرهنگ اسلامی و ضد زن حاکم اصل مسلم انقلاب حاضر

عظیم و توده ای برای رهایی از سر جمهوری اسلامی است. اکنون دیگر روشن است که این جنبشی در اعتراض به انتخابات، محدود به اصلاح جمهوری اسلامی، یا تغییراتی در چهارچوب نظام سیاسی حاضر نیست. فریاد "مرگ بر دیکتاتور"، "خامنه ای قاتله ولایتش باطله"، "مرگ بر قانون اساسی جمهوری اسلامی" و نظیر این در تظاهرات میلیونی ۱۳ آبان کمترین تردیدی نمی گذارد که حرکت عظیم مردم، همچنان که ما از روز نخست گفتیم، انقلابی علیه کلیت جمهوری اسلامی است.

۱۳ آبان با قدرتی دوچندان اعلام کرد که رژیم حاکم با همه وحشیگری و جنایاتش قادر به متوقف کردن مردم و انقلابشان نیست. برعکس این انقلاب است که قدم به قدم به پیش می رود و شرایط از پای درآوردن رژیم جانیان اسلامی را فراهم می آورد. اکنون دیگر قطعی است که انقلاب در شکل تظاهرات های توده ای به مناسبت های رسمی و غیر

ارودگاههای کار اجباری تحت عنوان "من آزادی را انتخاب میکنم" نوشت که کلی برایش تبلیغات شد و باعث پاتکهای از جانب قطب مخالف نیز شد. بعد از چند سال زندگی در این "دنیای آزاد" و ناامید از آن، کراوچنکو کتاب دیگری و اینبار به نقد از سیستم سرمایه داری و پروپاگاندا دروغین حول آن نوشت تحت عنوان "من عدالت را انتخاب میکنم". او در سال ۱۹۶۶ در آپارتمانش، ناامید از این دو قطب دست به خودکشی زد. کتاب اول را راحت میتوانید از کتابخانه های محفلتان تهیه کنید، اما برای کتاب دوم باید کمی بدوید!

انسان شایسته هم آزادی - به آن معنای کراوچنکو که بیشتر آزادی بیان را در نظر داشت - و هم عدالت اجتماعی احتیاج دارد. عدالت سیستم بلوک شرق و آزادی بیان سیستم دمکراسی غرب، هر دو دروغی بیش نیستند.

جشن بیستمین سالگرد پائین آمدن دیوار برلین اما انسان منصف را شدیداً به فکر فرو میبرد که آیا انسان شایسته همین است؟ آیا سهمش از زندگی و این دنیا همین است؟\*

رژیم اسلامی ناگزیر بوده است که از شکاف های بین حاکمان استفاده کند. اکنون انقلاب به میزانی که توازن قوا را به نفع خود بهم میزند روی پای خود می ایستد و بیش از پیش با زبان صریح و روشن خود سخن میگوید. ۱۳ آبان یک گام تعیین کننده در این جهت بود. ۱۳ آبان بیش از پیش شرایط تامین رهبری چپ و انسجام حول پرچمی را فراهم آورد که خواهان پیروزی بی کم و کاست بر جمهوری اسلامی و برقراری آزادی و برابری و رفاه و شادی است. این پرچم کارگران و زنان و جوانان است که شفاف و بی تزلزل توسط حزب کمونیست کارگری برافراشته شده و پس از این قدرتمند تر خواهد شد.

حزب به تمام زنان و مردانی که ۱۳ آبان را ساختند درود میفرستد، آنان را به صفوف خود فرا میخواند و همراه آنان با شوری دو چندان برای پیشروی های بیشتر انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی مبارزه میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۵ نوامبر ۲۰۰۹، ۱۴ آبان ۱۳۸۸

می رود. بازار دارالمساکین در کشورهای چون کانادا، سوئیس، سوئد و هلند، که در دنیای معاصر فقر مطلق از آنها رخت بر بسته بود، اکنون گرم گرم است. سال بعد از فروپاشی بلوک شرق، در لهستان که کلمه بیکاری در حال رخت بر بستن از فرهنگنامه ها بود، به بالای ۲۰ درصد رسید. اما مردم دمکراسی می خوردند و سرداران دمکراسی در کشورهای پیروز هم خوشحال از این سور! تعدادی از ساده لوحانی که مبهوت فیلمهای هالیوودی شده بودند، کمی ناامید شده بودند؛ چرا که از درختان زیر سیطره دمکراسی دلاری نرئیده بود.

سالها پیش داستان ویکتور کراوچنکو Victor Andreevich Kravchenko را شنیده بودم که چندی پیش بار دیگر داستان ایشان را در روزنامه نیویورک تایمز دیدم. خواندنش برای خوانندگان این سطور خالی از لطف نیست. کراوچنکو، یکی از مقامات بلندپایه شوروی بود که در سال ۱۹۴۴ در حین مأموریتی در واشنگتن، پناهنده آمریکا می شود. او کتابی جنجالی از وضعیت شوروی و

توقف و مهار انقلاب و سازش آن با جمهوری اسلامی دل بسته بودند، اکنون بیش از پیش منزوی و از صحنه سیاست ایران خارج میشوند و در بهترین حالت به امید چوب لای چرخ انقلاب گذاردن لنگ لنگان به دنبال آن کشیده میشوند. تظاهرات ۱۳ آبان همچنین با شعار "اویاما یا با اونا یا با ما" و نیز شعارهای دیگر پیام محکمی برای دول بورژوازی فرستاد و اعلام کرد که هیچگونه سازش و معامله برای بقاء جمهوری اسلامی را نمی پذیرد. اکنون هر دولت بورژوازی ناگزیر است بپذیرد که مردم ایران برای اجرای حکم خود مبنی بر اینکه "جمهوری اسلامی باید برود" ضمانت اجرایی پر قدرت و زیر و رو کننده ای یعنی انقلاب حاضر را قرار داده اند.

بالاخره اینکه تظاهرات ۱۳ آبان حاکی از آن بود که انقلاب مقدمات عبور از وضعیت نامتعین در رهبری رسمی اش را فراهم میکند. این انقلاب بی تردید در مضمون و شکل چپ است و به این معنی رهبری آن نیز چپ است. اما به دلتلی و از جمله توازن قوای نامساعد و سببیت و وحشیگری بی حد و حصر



## بازتاب هفته

کاظم نیکخواه

ویراستار:



کیوان جاوید

### ندا بر بام جهان

دانشگاه بریتانیایی آکسفورد در بیانیه‌ای اعلام کرد: "این دانشگاه توانسته است یک بورس تحصیلی در رشته کارشناسی فلسفه به نام ندا آقا سلطان دایر کند". کمتر انقلاب در جریانی این چنین سریع چهره و نماد جهانی خود را باز یافته است. شاید



در تاریخ مبارزات مردم بی سابقه باشد که صحنه قتل یک مخالف سیاسی اینگونه به تصویر کشیده شود. ندای جوان، دانشجوی ۲۷ ساله در رشته فلسفه همراه با صد ها هزار نفر در ۳۰ خرداد ۸۸ فریاد آزادی سر داد و در خون خود در غلطید. تصویر این جنایت عظیم فورا انعکاس جهانی یافت و دنیا را در بهت و انده فرو برد.

اقدام مثبت دانشگاه آکسفورد اولین اقدام جهانی در همبستگی با مبارزات مردم ایران علیه حکومت اسلامی نیست و بی شک آخرین آن نیز نخواهد بود. طی چند ماه گذشته و در واقع از اولین روز به خون کشیدن اعتراضات مردم، چهره‌های هنری و سیاسی و مردم عادی از چهار گوشه جهان با مبارزات مردم اعلام همبستگی کرده‌اند و خصوصا یاد جانبناختگان انقلاب جاری ایران را گرامی داشته‌اند.

یک مشخصه مهم جهان امروز، متاسفانه، قتل و کشتار و شکنجه است. قتل‌های قومی و ملی و مذهبی، قتل و کشتار دست جمعی و نسل کشی. در تمام این رویدادهای خوفناک، بیننده عموماً نظاره‌گر خاموش است. آدم فکر می‌کند

کاری برای پایان دادن به این سناریو های سیاه و ضد انسانی از دستش بر نمی‌آید. دنیای تروریسم و "ضد تروریسم". تروریسمی که قربانیانش عادی ترین مردم اند و ضد تروریسمی که به بهانه مبارزه با تروریسم اسلامی حقوق مدنی مردم در غرب را هدف قرار داده و بازپس می‌گیرد. "ضد تروریسمی" که به دنبال کشف طالبان میانه رو می‌گردد تا آنها را شریک حکومت کنونی در افغانستان کنند.

تصویر تا چندی پیش در اذهان عمومی در خارج ایران این بود که جمهوری اسلامی (پای اصلی تروریسم جنبش اسلامی در جهان) نماینده مردم ایران است. این تصویر که ساخته و پرداخته مدیای رسمی در غرب و خود حکومت اسلامی بود با اعتراضات میلیونی مردم علیه حکومت اسلامی دود شد و به هوا رفت و مردم جهان مشاهده کردند که در ایران یک جنبش عظیم علیه حکومت و قوانین اسلامی به میدان آمده است. وقتی مردم جهان با این رویداد روبرو شدند به خود آمدند و عمیقاً درک کردند که جنبش اعتراضی در ایران، انقلاب علیه کثیف ترین حکومت ضد بشری در جهان است. راز همبستگی چشمگیر بین المللی با مبارزات مردم در اینجا نهفته است.

انقلاب ایران محصور در کشور نیست. هر فریاد اعتراض مردم در ایران، هر تظاهرات و هر تجمع و هر اعتصاب سریعاً بازتاب جهانی پیدا می‌کند. رژیم اسلامی که نه فقط در منگنه مبارزات مردم در داخل ایران در حال له شدن است، بلکه در سطح جهانی نیز تعرض علیه این حکومت قاتل و ضدبشری روز به روز ابعاد گسترده تر و مهم تری پیدا می‌کند. این تعرض آزادی خواهی به حکومت اسلامی در سطح جهان باید در پیشروی خود، دول غربی را نیز وادار کند که حکومت اسلامی را مورد تحریم سیاسی قرار دهند، مانع ورود قاتل‌های حکومت در مجامع بین المللی شوند و حکم بازداشت جنایتکاران شناخته شده از جمله عامرین کشتارهای اخیر را به اجرا بگذارند. سفارت حکومت

اسلامی در انگلیس برای دایر کردن این بورسیه به دانشگاه آکسفورد اعتراض کرده است. در جواب باید از طرف ما آزادیخواهان سیل نامه های تشویق آمیز به دانشگاه آکسفورد سرازیر شود.\*

یاشار سهندی

### نمایشی مشمئز کننده و مذبح حانه

هفته گذشته بهزاد نبوی از "کارگران" سابق و سرشناس رژیم جمهوری اسلامی را با حال نزار از تخت بیمارستان به دادگاه کشاندند و به جرم ایجاد ترافیک (!) و تبلیغ علیه نظام محاکمه کردند. این اولین بار نیست که رژیم جمهوری اسلامی ددمنشی خود را به نمایش گذاشته است. به روایت شاهدان که از زندانیان سیاسی دهه ۶۰ بوده‌اند این رژیم در زندانها به معلولین جسمی هم رحم نمیکرده و به گفته ایرج مصداقی فردی را که قطع نخاع بوده به دار کشیدند. این رژیمی است که زندانی را در شهر شیراز به دار کشیده و چون از چوبه دار پایین آورده و دیدند که هنوز زنده است بنا به فتوای یکی از علمای اسلام (آیت الله دستغیب که اکنون از طرفداران "خط سبز" است)، فرد محکوم را به خانه همان عالم ربانی بردند تا تعیین تکلیف شود. و بوسیله خود همین مرد خدا به دار مجدد کشیده شد و ایشان بعد از این جنایت فرمودند: این هم تکلیف، دیدید که کاری نداشت! این رژیمی است که زندانی را بر صندلی نشاندند و طناب را بر گردنش انداختند و از دو سو کشیدند تا قربانی خفه شد. این عملشان که فرد زندانی را بعد از عمل جراحی بلافاصله محاکمه کند بازیچه ای بیش در مقابل آن اعمال دد منشانه نیست. آن جنایتها سبعانه در "دوران امام" رخ داده، دورانی که امثال همین جناب بهزاد نبوی و موسوی و کربوی و خاتمی برای آن له له میزنند. آن جنایتها را هنوز هم بر حق میدانند چون میگویند "دوران جنگ و ترور" بوده است. اما این روشها مختص "دوران امام" و "استثنا" نبوده است. در همان زمان حکومت به اصطلاح اصلاح طلبان به رهبری خاتمی نیز همین روش به محابا

اکنون در دوره تظاهراتهای میلیونی و هزاران نفره علیه حکومت منحوس اسلامی، این نوع تلاشهای نفرت انگیز خشم مردم را بیشتر و بیشتر بر می‌انگیزد و همچون نفتی بر آتش عمل خواهد کرد. اگر قرار بود کسی وحشت کند ۱۳ آبان شکل نمی‌گرفت که از صغیر و کبیرشان به هم هشدار دهند که "جنون انقلابی" در راه است. "جناح اصولگرا" برای آرام کردن دل خودش، برای قوت قلب دادن به گله پاسدارش این نمایشات را ادامه میدهد تا بگوید هنوز سرپاست. "جناح اصلاح طلب" برای نجات کل نظامشان یاد "حمینی پاریس" افتادند تا شاید مردم آرام شوند. سمیه پر زور مردم اما همه این تلاشها را به نتیجه محتوم خود رسانده و آن شکست و ناکامی است.\*



کاظم نیکخواه

### مرگ بر اعتیاد! زنده باد انقلاب!

ایران تحت حکومت اسلامی در دو چیز اول است. یکی در همین میزان اعتیاد است و دیگری میزان اعدام. گزارشهای رسمی که مربوط به سال گذشته است و امسال منتشر شده می‌گوید آمار اعتیاد در ایران به بالاترین در سطح جهان رسیده است. بنا به یک گزارش سازمان ملل طی گزارشی در روز چهارشنبه بیست و نهم اکتبر اعلام کرد که در سال ۲۰۰۸ چهارده تن هروئین و حدود ۴۵۰ تن تریاک تولید شده در کشور همسایه ایران یعنی افغانستان در ایران مصرف شده است. به این معنا ایران بالاترین آمار مصرف "سرانه" مواد مخدر را در جهان دارد. رسانه های وابسته به جمهوری اسلامی نیز این را تایید میکنند که سن اعتیاد در ایران به ۱۰ سال رسیده است. سایت برنا از "سازمان ملی جوانان" که یک نهاد جمهوری اسلامی است می‌گوید "یک میلیون نفر از معتادان به مواد مخدر زیر

ادامه داشته است. و نیز خاطر همگان باید باشد که خاتمی در مرگ لاجوردی چه مدحی از این جلا داد. آن مدیحه سرایی در وصف جلا داد اوین پیام روشنی بود که در بر همان پاشنه خواهد چرخید. با وجود همه اینها و شاید بهتر است بگوییم با توجه به همه اینها از نظر ما محاکمه نمایشی سران دیروز همین حکومت هم مشمئز کننده و ضد انسانی و محکوم است.

اما لفظ "دادگاه" دادن به این محاکمات نفرت انگیز دست و دل بازی بسیار زیادی است. سیستم قضایی جمهوری اسلامی را سیستم قضایی دانستن خطای فاحشی است. این سیستم یا به بیان دیگر این "قوه" ابزار همیشگی جمهوری اسلامی برای سرکوب و جنایت و ایجاد رعب و وحشت بوده است. این قوه مکمل "قوای" کثیف دیگر نظام است. با این ابزار، شکنجه، تجاوز جنسی، اعدام، سنگسار و زندان را صورت قانونی دادند. امثال همین بهزاد نبویها تا توانستند جزء به جزء این قوانین را تدوین کردند. امثالهم باید در خاطر مبارکشان باشد که برخی از زندانیان در دهه ۶۰ که زیر شکنجه شکسته میشدند، ایشان اینها را بیای مصاحبه تلویزیونی میکشاندند. ایشان باید خوب خاطر شان باشد که بارها و بارها از سیمای جمهوری اسلامی زندانی بینوایی را به تصویر کشیده بودند که به پای مادرش افتاده بود تا از خودش بگذرد! و آن مادر میگفت: "نه، تو باید بخاطر مخالفت با امام کشته شوی." باید یادشان باشد، چون خودشان ترتیب این نمایش کثیف و جنایتکارانه را داده بودند. نبویها این قوانین و این ابزارها را ساختند و بکار بردند تا مردم به خیابان آمده در سال ۵۷ را منکوب کنند و تا "درس عبرتی" باشد برای فرزندان آن نسل و نسل اندر نسل از این جنایتها در وحشت بسر برند. اما فرزندان نسل ۵۷ کاری کردند که خود ضداثنا لیبیون ۵۷ به جان هم افتادند و همدیگر را لت و پار میکنند و این روزها مدام نقشه میکشند که چه طوری دیگری را به همان خوفگاهی به نام دادگاه بکشاند. امروز نجات خودی های حکومت از دست برادران کثیف در قدرتشان هم دست مردم آزادیخواه و انسان دوست است.

اما این خوفگاه نیز لبه تیز خود را از دست داده است. و نه فقط این.

## بازتاب هفته

۱۹ سال هستند و سن اعتیاد در کشور به ۱۳ سال رسیده است. این سازمان میگوید روزانه ۳۰۰ نوجوان در ایران معتاد میشوند. خبرگزاری جمهوری اسلامی "ایرنا" سن اعتیاد را ۱۰ سال اعلام کرده و از قول رئیس سازمان بهزیستی استان زنجان نوشته است "۲۵ درصد معتادان اعتیاد را از مدرسه شروع کرده اند". تریاک بالاترین مصرف را دارد و پس از آن حشیش و هروئین و دیگر مواد خطرناکتر قرار میگیرند.

فکر نمیکنم کسی شک و تردیدی داشته باشد که خود جمهوری اسلامی عامل اصلی گسترش اعتیاد و قربانی کردن عزیزان مردم در ایران است. اعتیاد زائده و غده چرکین نظام سرمایه داری است. بطور خلاصه بی عدالتی و فقر و احساس بی آینده‌گی و بی افقی، علت اصلی و کانون اصلی گسترش اپیدمی کشنده اعتیاد است. نظامی که اساس موجودیتش بر سود و کالا شدن همه چیز قرار دارد، هیچ ابایی ندارد که از زهر و مواد کشنده هم برای سودجویی استفاده کند. همانطور که یک منبع بزرگ و رسمی سودآوری و سود اندوزی تولید و فروش سلاحهای کشتار انسان است. همانطور که یک منبع بزرگ سود اندوزی قاچاق انسانها و بویژه کودکان است. میشود هزاران مثال زد. اما جمهوری اسلامی در این زمینه ها هم سر آمد همه است. آشکارا حکومت مرگ و نیستی و عزا و گریه است. حکومت چپاول است. حکومت سرکوب شکنجه و تجاوز است. و حکومت نابود کردن زندگی است.

شواهد بسیاری میگوید که خود باندهای حکومتی در قاچاق مواد مخدر دست دارند. اما اگر هم اینگونه نبود وقتی که جامعه را به صلابه میکشند، وقتی خیابان و کارخانه و همه جا را به محل یک تازی یک مشت اوباش پست و فظهم و ضد انسان تبدیل کرده اند، وقتی میلیارد میلیارد میدزدند و پروار میشوند و اکثریت جامعه را به زندگی زیر خط فقر و نیستی و فلاکت میکشانند، فضای بسیار مناسبی را برای گسترش اپیدمی اعتیاد فراهم کرده اند. اما اعتیاد بر زمینه بی افقی و ناامیدی و واژدگی رشد میکند.

قربانیان اعتیاد باشد با عزم و اراده آنها کنار میزنند. چون میدانند که به او نیاز است. و میداند که زندگی معنا و مفهوم انسانی یافته است. پس مرگ بر اعتیاد و زنده باد انقلاب!\*



محمد رضا پویا

## "دوران خوش" جناح بازی به پایان رسیده است

حسن یوسفی اشکوری یکی از چهره های شاخص جناح اصلاح طلب حکومتی، در نامه ای سرگشاده ضمن توضیح اوضاع سیاسی کنونی کشور، فرماندهان سپاه پاسداران را به مصالحه با جناح سبز شده حکومت دعوت نموده و هشدار میدهد که ادامه روند کنونی به انقلاب مردم و سرنگونی رژیم اسلامی منجر خواهد شد.

اشکوری میگوید فرماندهان سپاه موفق به سرکوب مردم نشده و اعتراضات خیابانی رادیکالتر شده است. "همین که پس از پنج ماه نه تنها جنبش اعتراضی خاموش نشده بلکه از یک سو گسترش یافته و از سوی دیگر رادیکال تر گشته است، خود دلیل کافی و قانع کننده ای بر عدم موفقیت شما است". (سرداران درنگ کنید. حسن یوسفی اشکوری. روز آنلاین دوشنبه ۱۸ آبان). اشکوری اذعان دارد که دستور کار سیاسی جامعه را اکنون مردم تعیین میکنند و از همین رو شعارها و اعتراضات جاری رادیکالتر شده است. ادامه این اوضاع "گابوس" سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی را برای اشکوری تداعی میکند و لذا از دوستان دیروزش در سپاه پاسداران میخواهد که تا "دیر" نشده بخشی از صندلی های حکومت را به اصلاح طلبان دولتی تحویل دهند تا به خیال خودش سبزه های جنبش ملی اسلامی بتوانند با وعده اصلاحات مردم را از سرنگونی جمهوری اسلامی منصرف کنند! وی میگوید: "برای تبیین این

## کمک مالی به تلویزیون کانال جدید

هرمزرها	۲۵۰ کرون	سهراب وفا	۶۰ دلار
لیندا استکهلم	۲۵۰ کرون	فروغ ارغوان	۲۱۵ دلار
مجید حمیدیان	۱۰۰ کرون	محمد (تورنتو)	۲۰ دلار
آراز	۱۰۰ کرون	آذر پویا	۵۰۰ کرون
مجید فرجیان	۱۰۰ کرون	هوادر حزب	۵۰۰ کرون
حمید رحیم پور	۱۰۰ پیورو	سارا نخعی	۲۵۰ کرون

دیدگاه به اجمال می توان گفت که اگر جنبش اصلاح طلبی در جامعه نیازمند تغییر و اصلاح به مطالبات و خواسته های منطقی و طبیعی خود نرسد، در فرایند انقلاب قرار می گیرد و با فراز و فرودهایی، سرانجام دیر یا زود با فروپاشی نظام حاکم به خواسته هایش می رسد". اشکوری متذکر میشود که باید بین جنبش سبز ملی اسلامی و مردم رادیکال شده، تفاوت گذاشت و تاکید میکند که دسته اول برانداز نیستند بلکه خیر و صلاح این نظام را میخواهند. "شما بهتر از هر کسی می دانید که کسانی چون خاتمی و موسوی و کروبی و دوستانشان نه تنها برانداز و دشمن نیستند بلکه حتی با اصل نظام و قانون اساسی با محوریت ولایت فقیه هم مخالفت ندارند. اگر مخالفتی هست، که هست، به برخی رفتارهای خلاف قانون و خلاف مصالح ملی و حتی خلاف مصالح خود نظام است" (همان منبع).

جنگ قدرت در بالای حکومت به نقطه غیر قابل بازگشتی رسیده است. رژیم اسلامی دیگر نمی تواند به دوران "خوش" جناح بازی بازگردد. دوره حکومت ائتلاف جناحها در جمهوری اسلامی به پایان رسیده است. اوضاع بجایی رفته که دیگر نمیتوان سید و شیخ خندان را در کنار ولی فقیه و سپاه پاسداران نگه داشت. سئوالی که بلافاصله مطرح میشود این است که حتی در صورت امکان پیشبرد این پروژه، جمهوری اسلامی چه سودی از آن خواهد برد؟ چرا ولی فقیه به بازگشت اصلاح طلبان به قدرت رضایت دهد؟ جناح اصلاح طلب حکومت خیر خود را به حکومت رسانده است. آنها قرار بود "ضربه گیر" رژیم اسلامی در مقابل تهاجم مردم شوند. زمانیکه مردم از دوم خرداد و کل پروژه اصلاح طلبی حکومت عبور کردند و به تقابل مستقیم بر علیه جمهوری اسلامی برخاستند، اصلاح طلبان دیگر

خاصیت خود را از دست داده بودند. عقبه ساعت تحولات سیاسی جامعه را نمیتوان به عقب بازگرداند. نفس گسترش اعتراضات مردم در همین چند ماه گذشته، حکایت از این دارد که اعتراضات مردم را نمی توان در اصلاح طلبی اسلامی به بند کشید. پیشروی مردم و تغییر توازن قوا در جامعه اثرات خود را بر همه نیروهای درگیر گذاشته است. همین چند روز پیش در یکی از سایتهای "جنبش سبز" به موسوی تذکر دادند که این جامعه به دوره خمینی باز نمی گردد. عاقلترهای جنبش سبز که متوجه اوضاع و روند تحولات سیاسی شده اند، شرکای خود را دیگر در جناح راست پرو غرب خارج از حکومت جستجو میکنند. در مملکتی که مردمش با مرگ بر خامنه ای از خواب بیدار میشوند، دیگر نمی توان حکومتش را با اصلاح یا سرکوب سر پا نگه داشت. دیگر نیازی نیست به حرکات رسمی و علنی حکومتیان چشم دوخت تا متوجه شویم در اعماق جامعه چه میگذرد، امروز جامعه خود عمیقاً بحرکت در آمده است و بی پرده حرف میزند. در درون خیزشی که به نابودی رژیم اسلامی کمر بسته است، بساط اصلاح طلبی اسلامی نمیتوان پهن کرد. اشکوری با "تصورات" اسلامی به اوضاع مینگرد. میخواهد با "ریش سفیدی" بین دو جناح میانجیگری کند. صورت مسئله برای ایشان نزدیکی دو جناح برای به اصطلاح "تخفیف بحران" است. اما برای مردم سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی در دستور کار است. ولی فقیه و سپاه پاسداران جهت تقابل با این اوضاع، راه دیگری جز سرکوب ندارند. حتی جمهوری اسلامی بدون ولی فقیه و با موسوی و مابقی سبزه ها، خود حلقه ای از روند سیاسی سرنگونی رژیم است و نه شروع یک دوره جدید در حکومت اسلامی. حکومت اسلامی رفتنی است.\*

## رهبری انقلاب حاضر و کنگره هفتم حزب



مصطفی صابری

یعنی در انواع تشکل‌های توده‌ای و در عین حال حول یک حزب سیاسی آبدیده و آماده و منظم متحد شده باشند، میتوانند به پیروزی همه جانبه و با ثبات دست یابند. هم اکنون حتی در اولین قدم‌ها میتوان دید که چگونه نیروهای مختلف راست و بورژوا مستقیم و غیر مستقیم پشت سر جمهوری اسلامی رفته‌اند و انقلاب در ایران برای پیروزی خود نه فقط باید در داخل ایران از انسجام و اتحاد و روشن بینی بالایی برخوردار باشد، بلکه باید بتواند مردم آزاده جهان را به حمایت خود به میدان آورد.

کدام جریان می‌تواند چنین رهبری سیاسی همه جانبه‌ای را تامین کند؟ جریانی که سالهاست دارد بی‌تزلزل همین خط را دنبال میکند و با شور و اشتیاق برای این روز آماده میشود حزب کمونیست کارگری است. یاد آوری این از سر خود متشکری نیست، ما صمیمانه دست هر جریان دیگری که در این جهت گام برداشته و یا اکنون کوچکترین قدمی بردارد می‌فشاریم. به این معنی هم نیست که حالا ما بر دیگران فخر بفرشویم که درست می‌گفتیم و پیش بینی ما درست بود و غیره. اگر فرقی بین ما و بقیه هست تنها و تنها در این است که وظیفه و مسئولیت ما براتب سنگین تر است. تامین رهبری انقلاب در ایران قبل از هرکسی بر دوش حزب ماست. ما موظفیم این رهبری را تامین کنیم و لیست طولانی از وظایف دشوار در پیش ماست. ما باید کماکان شعارهای صحیح و گام‌های درست انقلاب را در هر مقطع تعریف کنیم. باید بدقت مراقب باشیم که وحدت و انسجام مبارزه مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی به بهترین نحو تامین شود. باید بیرحمانه نیروهایی که از جمهوری

صفحه ۸

کمتر از یک ماه دیگر کنگره هفتم حزب کمونیست کارگری برگزار خواهد شد. دستور این کنگره طبعاً انقلاب جاری در ایران است. کنگره باید به مهمترین مسائل انقلاب بپردازد و پاسخ روشن بدهد. اما مهمترین مساله انقلاب حاضر نیز روشن است: مساله رهبری. اینها ما از همان روز اول خیزش انقلابی مردم در بیانیه حزب (۲۴ خرداد ۸۸) اعلام کردیم. "شرط پیروزی انقلاب مردم علیه جمهوری اسلامی، اتحاد و سازمان یافتگی و تامین رهبری هوشیار و مصمم جنبش انقلابی است." و اضافه کردیم که: "حزب کمونیست کارگری، حزب این کار است." طی پنج ماه گذشته حزب در این جهت گام‌هایی به جلو گذاشته است. اما هنوز راه درازی در پیش است. کنگره هفتم حزب باید قدم‌های بعدی را تعریف کند و پیش پای حزب و جامعه قرار دهد.

رهبری انقلاب حاضر هم اکنون چگونه صورت می‌گیرد؟ این رهبری با چه معضلات و مشکلاتی روبروست؟ بعد از ۱۳ آبان دیگر از آفتاب روشنتر است که رهبری در دست جریاناتی که میخواهند جنبش و حرکت مردم را در چهارچوبه جمهوری اسلامی محدود کنند، نبوده و نیست. اکنون دیگر همه ناظرین که ذره‌ای واقع بینی داشته باشند فهمیده‌اند که آنچه در ایران می‌گذرد انقلابی علیه کلیت جمهوری اسلامی است و امثال موسوی و کروبی صرفاً به دنبال انقلاب کشیده شده‌اند. حتی تعبیر "رهبر اتفاقی" که برخی از

مفسرین برای توجیه آبرومندانانه وضعیت مضحک این حضرات ابداع کرده‌اند، دور از واقعیت است. نه "اتفاقی" در کار بود و نه "رهبری" از سوی اینها اعمال شد. مساله این است که با توجه به اختناق و سرکوب وحشیانه جمهوری اسلامی انقلاب بطور عینی نیاز به شکافی در بالا داشت تا ابراز وجود کند و توازن قوا را بهم زند، دستگاه سرکوب و اختناق را فلج کند تا بتواند شرایط سیاسی پیشروی و شکل‌گیری رهبری واقعی خود را تامین کند. این "اتفاق" نبود، ضرورتی بود که رخ داد. ارزش مصرف موسوی و کروبی برای انقلاب حاضر با همان فوران و ابراز وجود اولیه، یعنی از همان روزی که

## در باره کنگره ۷ سوالاتی از اعضای دفتر سیاسی



**انترناسیونال:** انتظار سیاسی شما از نقشی که کنگره حزب در این مقطع حساس سیاسی جامعه ایران میتواند ایفا کند چیست؟

**خلیل کیوان:** شاید بهتر است سئوال را به این شکل طرح کرد که انتظار جامعه از کنگره چیست. انتظار من از کنگره همان است که جامعه پیش پای آن می‌گذارد. حزب کمونیست کارگری یکی از اکتورهای اصلی سیاست ایران است. از اینرو، کنگره آن مستقیماً به جامعه و تحولات آن مربوط است.

اکنون برای بسیاری از ناباوران هم روشن شده است که آنچه که در ایران در جریان است، یک انقلاب است. انقلابی عظیم که بینان‌های نظام ارتجاعی حاکم و همه نابرابری‌ها و تبعیضات آنرا نشانه گرفته است. این حقیقت را دیگر نه فقط ما بلکه، پس از تحولات هفته گذشته در ۱۳ آبان، بسیاری اذعان میکنند. طی هفته گذشته کوهی از مقالات از فعالین سیاسی در نشریات و سایت‌ها منتشر شده است که مستقیم و غیر مستقیم این را صحنه می‌گذارند. نیروهای وسیعی اکنون اذعان میکنند که حضور مردم در خیابانها بخاطر اصلاح رژیم نیست. در حمایت از "اصلاح طلبان" نیست. انقلاب مخملی نیست. اعتراض مدنی نیست. این یک انقلاب است که راه خود را باز میکند و جلو می‌رود. انعکاس این حقیقت را حتی در نشریات بین المللی نیز مشاهده میکنیم. یونایتد پرس در مقاله‌ای از حضور پر قدرت جوانان و زنان در تحولات و رهبری دانشجویان در این انقلاب نوشته است. قدرت تحولات جاری در ایران حقیقتی را که حزب ما سالهاست پیش بینی میکرد و می‌رود که به باور همگانی تبدیل کند. انقلاب با قدرت به پیش می‌رود!

با این اوصاف پاسخ سئوال شما روشن است. تامین رهبری انقلاب جاری مهمترین موضوع جامعه و لذا کنگره حزب است. کنگره باید بتواند نشان دهد حزب آماده است که به مسائل پیش روی جامعه پاسخ میدهد. مردمی که در خیابانها در جنگ و گریزند،

جوانان، زنان و دانشجویان و کارگران باید در توصیه این حزب رهبر انقلاب را ببینند. کنگره باید در این رابطه پیام شفاف و روشنی داشته باشد. باید اعتماد جامعه را جلب کند. گره گاهای انتخاب اجتماعی چه توسط مردم را در مقابل خود بگذارد و به آنها پاسخ گوید. این گره گاهای کدامند؟ مردم از اختناق بیزارند. از حکومت مذهبی و دخالت مذهب در شئون زندگی شان متنفرند. از بی عدالتی رنج میکشند. چه جامعه برای رفع همه این تبعیض‌ها و نابرابری‌ها مبارزه میکند. از اینرو، انتخاب طبیعی مردم چه است. این نقطه قدرت ماست. اما این امر با روش بینی و با پراتیک فعال و حضور دائمی در جدال‌ها ممکن است. نیروهای گسترده‌ای در سطح داخلی و بین المللی در تلاش‌اند این انتخاب صورت نگیرد. دشواریهای زیادی پیش پای ماست. تجربه سوسیالیسم‌های خاکستری یک مانع جدی بر سر راه ماست. کنگره باید بتواند در عین حال که سیمای یک نیروی سازش‌ناپذیر و سرنگونی طلب را ترسیم میکند چهره یک نیروی بشدت آزادیخواه را از خود نشان دهد. باید تفاوت خود را با سوسیالیسم‌های خاکستری به جامعه نشان دهد. کنگره حزب رهبری شاداب و حی و حاضر و با اشتها را باید در اختیار انقلاب حاضر قرار دهد. آزادیخواهی افراطی و تفاوت با سوسیالیسم‌های خاکستری دو حلقه مهم سیاسی است که ما را به انتخاب اجتماعی مردم بدل میکند. بنظر من اگر این دو برداشت از کنگره در جامعه انعکاس یابد، امر رهبری از نقطه نظر عملی و تاکتیکی و هدایت روزانه و گرد آوری نیرو برای سرنگونی و پیروزی انقلاب دور از دسترس نخواهد بود.\*



## از صفحه ۱ ۱۶ آذر روزی در تداوم ...

فرصتها برای بیان اعتراضاتشان استفاده میکنند، و اکنون که در کوران انقلابی هستیم، این روزها جایگاه و معنای دیگری پیدا میکند. بویژه اینکه شانزده آذر تاریخ درخشانی دارد. و در واقع همیشه روز انقلاب و شعارهای انقلابی و اعتراضی و آزادیخواهانه بوده است. ۱۶ آذر که روز دانشجویست هر سال بیشتر رنگ اعتراضی و رادیکال و سرنگونی طلبی بخود گرفته است. ما شاهد شانزده آذر های سرخ با شعارهای ای سوسیالیسم یا بربریت بوده ایم. ما شاهد شانزده آذر هایی بوده ایم که در قطعنامه هایش بر خواستهای پایه ای و انسانی کارگران و زنان و کل مردم تحت ستم تاکید گذاشته است. ۱۶ آذر در تمام سالهای اخیر بر آزادی و برابری و حقوق برابر زن و مرد و همبستگی جنبش دانشجویی با جنبش کارگری و جنبش زنان و اعتراضات بخش های مختلف جامعه تاکید داشته است و سوسیالیسم را فریاد زده است. ما شاهد شانزده آذر هایی بوده ایم با شعارهای آزادی، برابری، هویت انسانی، یک کره زمین، یک انسان، رهایی زن رهایی جامعه است. شانزده آذری که به مبارزات مردم در جامعه رنگ انسانی و چپ داده است. از همین رو هر ساله نزدیک شدن ۱۶ آذر به عنوان یک روز آزادیخواهی و برابری طلبی کابوسی برای جمهوری اسلامی بوده است. اکنون این روز مهم با چنین تاریخی در دل انقلابی که به جلو میروند، فرا میرسد و میتوان انتظار داشت و پیش بینی کرد که شانزده آذر امسال نسبت به هر سال متفاوت باشد و رنگ خود را به عنوان روز آزادی و برابری به انقلاب مردم براند. میتوان انتظار داشت که ۱۶ آذر با شعارهای رادیکال، با قطعنامه هایی که انسانیت را فریاد میزند، نقطه اوج دیگری در جنبش انقلابی ما باشد. در یک کلام شانزده آذر امسال از فضای انقلابی و شور و اعتراضات گسترده در جامعه تاثیر میگیرد و در عین حال میتواند بر این انقلاب تاثیر مهمی بگذارد و رنگ و جهت رادیکال و انسانی و چپ خود را هرچه بیشتر به آن بدهد.

با شعارهای مرگ بر دیکتاتور، جمهوری اسلامی نمیخواهیم، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، مرگ بر خامنه ای و دیگر شعارهای اعتراضی شان آنچنان لرزه ای ایجاد کردند، که در کل حکومت و اپوزیسیون درون حکومتی و راست بیرون حکومت آنچنان وحشت و هراسی ایجاد کرد که دارند از اینکه برنده این جنگ کیست و از اینکه مردم از جمهوری اسلامی و موسوی عبور کردند، سخن میگویند. بویژه ۱۳ آبان با وارد شدن نیروی دانش آموزان به صحنه، ابعاد دیگری به خیزش انقلابی مردم داد. در این روز مردم با شعارهای چون "خامنه ای قاتله، نظامش هم باطله"، "مرگ بر اصل ولایت فقیه"، "نه موسوی، نه احمدی، آزادی برابری"، و با شعار "مرگ بر قانون اساسی جمهوری اسلامی" آب پاکی ریختند بر روی دست همه کسانی که فکر میکردند میتوانند با تاکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی، و بعنوان جنبش سبز، سر انقلاب را زیر آب کنند.

بدنبال این اتفاق سیاسی مهم است که امروز بسیاری از رسانه های وابسته به نیروها و دولتهای غربی نظیر صدای آمریکا و بی بی سی و بسیاری از روزنامه های بورژوازی در غرب و در خود ایران دارند به این حقیقت اذعان میکنند که مردم از جمهوری اسلامی و از موسوی و از قانون اساسی اش عبور کرده اند. بعبارت دیگر اتفاقی که در ۱۳ آبان افتاد، چنین رسانه هایی را وادار کرد که علیرغم تصویری که تا کنون سعی میکردند، از انقلاب مردم ایران تحت عنوان جنبش سبز بدهند تا رهبری اش را نیز به موسوی و کروی و رهبران اپوزیسیون جناح ناراضی حکومتی ببخشند، اکنون دیگر به گونه دیگری از این جنبش سخن بگویند. فواد صادقی مدیر مسئول سایت توقیف شده بازتاب و از مسوولان سایت تازه تاسیس آینده در ۱۷ آبان، در اظهاراتی تحت عنوان هزینه هنگفت امنیتی و تخریب شده چهره کشور در سطح انکار عمومی جهانی، هشدار میدهد که "بازنده ما هستیم". و باز تحت عنوان اینکه موج سبز در سطح میدانی، رادیکالیزه شده است، و نیروهای معترض تندرو میدان بیشتری برای تاثیرگذاری یافته اند و افراد عادی معترض نیز که بیش از این رفتاری ملایم داشتند، به اقدامات و شعارهای رادیکال تمایل پیدا کرده اند، نگرانی و وحشت خود را بیان میکنند. در همین

رابطه یونایتد پرس در گزارش خود تحت عنوان "دانشجویان؛ رهبران واقعی" مینویسد، که آنچه که تحلیلگران به نام جنبش سبز در ایران خوانده اند، مظهر یک انقلاب دانشجویی است، نه محصول کار مقامات اصلاح طلبی که رژیم را به چالش کشیده اند. همه این اظهارات نشانگر اتفاق بزرگی است که در ۱۳ آبان افتاد. دارند از انقلاب سخن میگویند. دارند از عبور مردم از جمهوری اسلامی و آنچه به آن جنبش سبز اطلاق کردند و موسوی و قانون اساسی و غیره سخن میگویند. دارند به رنگ انسانی رادیکال این انقلاب معترف میشوند و از اینکه صدای انقلاب ما در سطح جهان انعکاس یافته سخن میگویند. بله در ۱۳ آبان انقلاب ما با شعارهایش تعیین بیشتری یافت و با رزمندگی و روحیه بالای اعتراضی اش، وارد فاز دیگری شد.

بدنبال چنین اتفاق مهمی و در تداوم روزهای انقلابمان است که میرویم تا ۱۶ آذر را بعنوان یک روز اعتراض بزرگ و سراسری گرامی بداریم. در واقع بخشی از سازماندهی اعتراض وسیع در شانزده آذر، در همان روز سیزده آبان انجام گرفت و همانجا قرار و مدار شانزده آذر نیز گذاشته شد. جدا از اتفاقی که در ۱۳ آبان گذشت، یک فاکتور مهم دیگر که در واقع مرکز ثقل ۱۶ آذر نیز هست، دانشگاههاست. واقعیت اینست که از شروع سال جدید و اعتراضات پر جوش دانشجویان در دانشگاههای مختلف یک فاکتور مهم در تداوم بوده است. دانشگاهها به استقبال ۱۳ آبان رفتند و اکنون مبارزات دانشجویی با شدت جریان دارد و جلو میروند. دانشجویان به تبعیض جنسیتی معترض شدند و شعار دادند، تبعیض جنسیتی بیرحمتی شخصیتی است. دانشجویان شعار دادند، زندانی سیاسی آزاد باید گردد و یک موضوع اعتراض هر روزه شان آزادی فوری دانشجویان زندانی و همه زندانیان سیاسی است. دانشگاهها همچنان به عنوان سنگر آزادی در جنب و جوش است. و ابعاد گسترده و بیسابقه این مبارزات باعث شده، که امروز دارند از رهبری دانشجویان رادیکال بر انقلاب جاری و نقش زنان و مردان جوانان در صف مقدم مبارزات مردم سخن میگویند. بدین ترتیب همه چیز حاکی از اینست که شانزده آذر میتواند روزی تاریخی در تداوم روزهای انقلابمان باشد و باید با تمام قدرت به استقبالش برویم.

## برای ۱۶ آذر چه بکنیم:

۱- با اعتراضات گسترده و فشرده خود به استقبال شانزده آذر برویم. شانزده آذر فرصتی است که نه تنها دانشجویان بلکه بخش های دیگر جامعه، کارگران، معلمان و زنان و بخش های مختلف مردم خود را برای یک روز اعتراض وسیع آماده کنند و با خواستهایشان و با قطعنامه هایشان این روز را به یک روز اعتراض گسترده تبدیل کنند. کارگرانی که دستمزدهایشان را نگرفته و به حقوق زیر خط فقر معترضند، معلمانی که سالیانه حقوقشان را فریاد میزنند و تا کنون پاسخی نگرفته اند، همه و همه باید بیرون بیایند و صدای اعتراض خود را بلند کنند. باید انقلابمان را گامی دیگر به جلو ببریم. باید از این فرصت ها استفاده کنیم و ما مردم که از فقر و بی تامينی و سرکوب و جنایات رژیم چنین به خشم آمده ایم، میلیونی به خیابانهای بیاییم و آزادی و برابری و انسانیت را فریاد بزنیم. رفاه و شادی و زندگی انسانی را فریاد بزنیم. آزادی زندانیان سیاسی را فریاد بزنیم. بگویم جمهوری اسلامی نمیخواهیم. بگویم مرگ بر دیکتاتور و بار دیگر با همان شعارهای ۱۳ آبان، نه موسوی، نه احمدی، آزادی برابری، اعلام کنیم که نمیگذاریم انقلابمان را به بیراهه برید و آنرا عقیم کنید. بگویم خامنه ای قاتله، کل نظامش باطله. و همه حرفمان را بزنیم. ۱۶ آذر و چنین روزهایی فرصتی است که کارگران لوله سازی خوزستان که ماهها دستمزد نگرفته اند، کارگران نیشکر هفت تپه که ۴ نفر از رهبران شان را بخاطر مبارزه برای حقوق اولیه خود به زندان انداخته اند و کارگر مخابرات راه دور و غیره و غیره بیرون بیایند و در کنار صف میلیون مردم با قدرت خواستهای خود و زندگی انسانی را فریاد بزنند.

۲- با شعار نویسی و با پخش تراکت و با ایجاد گفتگومان گسترده بر سر خواستهایمان، به استقبال ۱۶ آذر برویم و فضای سیاسی ۱۶ آذر را بسازیم. برای این کار:

- در و دیوار را پر از شعار کنیم. با شعارنویسی اعصاب و روحیه سرکوبگران و حاکمین را خرد کنیم. شعارهای مرگ بردیکتاتور، جمهوری اسلامی نمیخواهیم، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، زندگی انسانی حق مسلم ماست، آزادی برابری هویت انسانی، و شعارهایی که در ۱۳ آبان دادیم، نه موسوی، نه احمدی، آزادی برابری از جمله شعارهاییست که میتوانیم همه

جا را با آنها پر کنیم و بصورت تراکت و بیانیه خواستهایمان را اعلام کنیم.

- از هم اکنون قطعنامه ویژه شانزده آذر، قطعنامه انقلابیمان را بنویسیم و بر ده خواست فوری خود تاکید بگذاریم و آنرا در همه جا پخش کنیم. اعلام خواستهایمان بصورت قطعنامه و بیانیه، گام مهم دیگری در تعیین دادن به انقلابمان است. قطعنامه هایی که در آن بر حقوق پایه و اساسی خود، بر خواستهایی چون ده خواست فوری که ما اعلام کردیم و در راسش محاکمه سران جنایتکار این رژیم و آزادی زندانیان سیاسی قرار دارد، تاکید گذاشته شده است.

- از هم اکنون با شعار دهی شبانه و فریاد مرگ بر دیکتاتور، جمهوری اسلامی نمیخواهیم، زندانی سیاسی آزاد باید گردد فضای اعتراض و مبارزه را تداوم بخشیم.

۳- شانزده آذر امسال طبعاً دیگر شروع حرکتش صرفاً از دانشگاهها نخواهد بود، بلکه امسال مردم از همه محلات و از سراسر شهر به خیابانها خواهند آمد و این روز را به روز اعتراض وسیع خود تبدیل خواهند کرد. و این اتفاقی است که نه تنها در تهران بلکه در همه شهرها شاهدش خواهیم بود. و باید در تمام محلات در تمام شهرها، هسته ها و جمع های محلات خود را برای تدارک این روز آماده کنند و هر کجا که جمع های محلات شکل نگرفته اند، شکل گیرند و سازماندهی این روز بزرگ را در دستورش بگذارد.

۴- شانزده آذر باید مثل یک بمب صدا کند. باید کاری کنیم که بار دیگر فیلم ها و گزارشات شانزده آذر چشمان جهان را به این انقلاب انسانی ما خیره کند، گزارشدهی و پخش اخبار اعتراضاتمان را سازمان دهیم و همین جا فعالینی که در صف جلوی این اعتراضات هستند را فرامیخوانم که با حزب خودشان حزب کمونیست کارگری ایران تماس برقرار کنند تا با هم به استقبال روزی بزرگ و تاریخی برویم. زنده باد انقلاب.\*

## یک دنیای بهتر برنامه حزب را بخوانید و در سطح وسیع توزیع کنید

مرکز بر حکومت اسلامی  
کمیته بین المللی علیه اعدام  
۱۱ نوامبر ۲۰۰۹  
minaahadi@aol.com  
00491775692413

به زیر کشیدن جانبان اسلامی ایجاد کند. این جنایت سبعانه و بیشرمانه خشم و نفرت میلیونی ما را بیشتر کرده و به آتش خشم همه ما علیه مشتی آخوند مفتخور و دستگاه فاسد و جنایت پیشه اسلامی خواهد دمید.

کمیته بین المللی علیه اعدام، ضمن ابراز همدردی عمیق و تسلیت به خانواده احسان، به مردم کردستان و به همه کسانی که برای نجات جان احسان تلاش کردند، اعلام میکند که روز سرنگونی این حکومت نزدیک است و باید همه ما برای به زیر کشیدن این جنایتکاران بیشتر، به پا خیزیم. گرامی باد یاد عزیز احسان فتاحیان

جنایت پیشگی و وقاحت سر پا مانده است.

مردم کردستان و مردم در سراسر ایران، با اعتراضات میلیونی و با نشان دادن گوشه ای از خشم فرو خفته سالیان، به این جنایتکاران نشان دادند که برای سرنگون کردن این بساط خون و جنایت، به پا خاسته و هیچ راه فراری برای حاکمین، باقی نخواهند گذاشت.

هیچ درجه جنایت و سبعیت و وحشیگری نمیتواند این بنای ویران شده را نجات دهد. قتل احسان و بیرحمی و جنایت پیشگی حکومت اسلامی و دستگاه قضایی آن، نمیتواند خللی در عزم جزم مردم برای

## احسان فتاحیان اعدام شد!

زیادی در اعتراض به این حکم، زندانیان اسیر حکومت فاشیست اسلامی به اعتصاب غذا دست زده و در ایران و در دنیا موجی از نفرت و انزجار، بسوی حکومت جانبان به راه افتاده بود.

قتل احسان فتاحیان و دهن کجی به این موج میلیونی نفرت و اعتراض، فقط و فقط بیانگر وجود حکومتی است که با جنایت میتواند بماند. این حکومت در ایران و در دنیا هیچ مشروعیتی ندارد و فقط با ریختن خون و اعلام حکومت نظامی و

طبق خبری که به کمیته بین المللی علیه اعدام رسیده، صبح امروز در زندان سنندج، احسان را اعدام کردند.

این جنایت در حالی انجام شد که در شهر سنندج و چندین شهر کردستان حکومت نظامی به راه انداخته و نیروهای سرکوبگر و جنایتکارشان را روانه خیابانها کرده بودند. شهر سنندج را قرق کرده و راههای ورود و خروج به شهر را کنترل میکردند. این جنایت و قبحانه و بیشرمانه، در حالی صورت گرفت که در زندانهای



تهیه کرده و برای ما ارسال کنید تا در اختیار خانواده احسان قرار دهیم.

مادر و پدر و اقوام احسان باید ببینند که قلبهای بسیاری از این جنایت بیشرمانه، به درد آمده و میلیونها نفر بهمراه آنها یاد و خاطره احسان را گرامی میدارند.

گرامی باد یاد احسان فتاحیان سرنگون باد حکومت اعدام و جنایت اسلامی  
کمیته بین المللی علیه اعدام  
۱۲ نوامبر ۲۰۰۹

کردستان دعوت میکنیم که آماده بوده و همراه خانواده احسان در مراسم دفن و گرامیداشت یاد و خاطره احسان حضور بهم رسانند. از فعالین مدافع حقوق انسان و از همه نهادهای مخالف اعدام در ایران دعوت میکنیم که در این مراسم حضور یافته و در ایران نیز مراسمهای گرامیداشت یاد احسان را برگزار کنند. ما باید با حضور میلیونی خود در این مراسمها نشان دهیم که علیه اعدام و علیه حکومت اسلامی هستیم. از این مراسمها عکس و فیلم

## روزهای جمعه و شنبه 22 و 23 آبان، در همه جا به یاد احسان فتاحیان

افتاده که میروند بنیان این دستگاه ظلم و فساد و جنایت را جارو کند. جانوران و فاشیستهای اسلامی حاکم بر ایران، پیکر احسان را فعلا به گروگان گرفته اند. میگویند دادگاه مجوز نداده که پیکر احسان جوان را که در روز روشن به دست آنها به قتل رسید، تحویل خانواده اش و مردم بدهند.

کمیته بین المللی علیه اعدام به مردم کردستان و سنندج و همه مردم در ایران میگوید، روزهای جمعه ۲۲ آبان و شنبه ۲۳ آبان ماه در هر جایی که هستید، با برگزاری مراسم و روشن کردن شمع و با قرار دادن دسته های گل در مراکز شهرها و در مراکز یادبود قربانیان دولتهای دیکتاتور و در هر جایی که امکانش را دارید، یاد احسان را گرامی بدارید. از همه مردم در سنندج، کامیاران، و شهرهای

خانواده احسان قصد دارند، او را به کرمانشاه زادگاه وی برده و در کرمانشاه دفن کنند. این بار جنایتکاران با تحویل ندادن پیکر احسان و احتمالا با دفن کردن مخفیانه او میخواهند جلوی تجمع اعتراضی و ابراز نفرت مردم از این جنایت بیشرمانه را بگیرند.

همه کسانی که عزیزانشان به دست جلادان حکومت اسلامی به قتل رسیده، میدانند، این جانبان حتی اجساد عزیزان ما را نیز به خودمان تحویل نمیدهند، پیکرهای اعدامیها و کسانی که با سبعیت آنها را زیر شکنجه کشته اند را نیز به گروگان گرفته و اجازه برگزاری مراسم و یا اشک ریختن نیز به مردم نمیدهند. سی سال است که با مردم ایران چنین رفتار بیشرمانه ای میکنند و اکنون همه این بغض و درد و رنج دیرینه به یک آتشفشان اعتراضی تبدیل شده و سیلی به راه

احسان فتاحیان فعال سیاسی، جوان ۲۷ ساله را جمهوری اسلامی ایران در زندان سنندج روز چهارشنبه ۲۰ آبان ماه به قتل رساند. این جنایت در حالی اتفاق افتاد که موج گسترده ای از اعتراض به این حکم جنایتکارانه در ایران و در دنیا به راه افتاده و حت زندانیان سیاسی در چند زندان دست به اعتصاب غذا زده بودند.

در مقابل در زندان سنندج مردم معترض تجمع کرده و خواهان لغو حکم اعدام بودند. احسان را که قرار بود نیمه شب به قتل برسانند، ساعت شش صبح چهارشنبه به قتل رساندند و به خانواده او خبر دادند که حکم اعدام را اجرا کرده اند. طبق اخباری که به کمیته بین المللی علیه اعدام رسیده پیکر احسان را ساعت هفت و چهل و پنج دقیقه به گورستان شهر سنندج "بهشت محمدی" برده و او را تا کنون به خانواده اش تحویل نداده اند.

انقلاب ۵۷ آموختیم و اکنون موظفیم حزی که انسانیت و آزادی و برابری را در سیاست نمایندگی میکنند، در یک کلمه آلترناتیو سیاسی انسانیت را در دسترس انقلاب و مردم قرار دهیم.

کنگره هفتم فرصت مغتنمی است که تا این آلترناتیو سیاسی، این حزب رهبری کننده انقلاب و سازمان دهنده قدرت انقلابی آینده را روشنتر و شاداب تر از همیشه به جامعه، به همه آزادیخواهان و به صفوف خود حزب ارائه دهیم.\*

حزب سیاسی رهبری کننده انقلاب، حزب سیاسی تشکیل دهنده دولت آتی و طرف حساب همه دول جهان را در دسترس مردم قرار دهیم. بدون این آلترناتیو سیاسی قدرت، پیروزی انقلاب تضمین نیست. یادمان باشد که انقلاب میتواند در کوچه و خیابان، در کارخانه و دانشگاه و مدرسه چه باشد اما در سطح قدرت سیاسی بی نمایندگی و نامتعیین باقی بماند و نهایتا راست قدرت را بگیرد و انقلاب را سرکوب کند. این درس را ما در

است که همراه جمهوری اسلامی کل مناسبات متکی بر استثمار و جهل و نابرابری را به گور بسپاریم. ما باید نشان دهیم که راه رهایی برقراری انسانیت و سوسیالیسم انسانی مارکس است. مهمتر از همه، ما باید بتوانیم مضمون رادیکال و نهایتا سوسیالیستی انقلاب حاضر را به یک انتخاب سیاسی تبدیل کنیم. ما باید

## از صفحه ۶ رهبری انقلاب حاضر و ...

طبقه حاکم از کف آنها بیرون آوریم. باید وسیع ترین نیروهای چپ جامعه را متحد و متشکل کنیم و علیه هرگونه فرقه گرایی و تعصبات چپ منزوی و غیر اجتماعی مبارزه کنیم. باید به همه انسانهای شریف جامعه نشان دهیم که راه رهایی جامعه این

اسلامی و وضع موجود دفاع میکنند و میخواهند انقلاب را به شکست بکشاند را افشاء کنیم. باید علیه هرگونه خرافه ملی و قومی و مذهبی که بین مردم تفرقه اندازد بشدت مبارزه کنیم. باید تحزب گریزی و تبلیغات جنگ سردی علیه کمونیسم را بعنوان سلاح های

اساسی سوسیالیسم انسان است.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.





در پاسخ به این سوالات و سوالات دیگر مینا احدی در روز سه شنبه ۱۷ ماه نوامبر در شهر تبریز آلمان در ساعت ۸ شب سخنرانی میکند

دعوت کنندگان  
گروه کاری صلح و سازمان مدافع حقوق زن "تره ده فام"  
گروه تبریز

کنند بجای این، همکاری با جمهوری اسلامی سازمان می یابد. حکومت اسلامی بجز در مورد موضوع سلاح هسته ای، ابتدا مورد اعتراض و نقد دولت‌های غربی قرار نمیگیرد. سازمان ملل تا کنون علیه سنگسار د رایران چیزی نگفته است. مینا احدی در نیویورک و در بروکسل، در استراسبورگ بوده و با سیاستمداران صحبت کرده است آنها در مجموع در مورد نقض حقوق انسانی در ایران شانه بالا انداخته و یا با حکومت اسلامی همکاری میکنند.

آیا حکومت ضد زن اسلامی روزهای آخر عمرش فرا رسیده، ما اروپاییها چه میتوانیم بکنیم برای اینکه بالاخره یک روش دمکراتیک در ایران برنده شود. اوضاع پناهندگانی که از این حکومت ضد انسانی فرار میکنند در آلمان چگونه است؟

## دعوت به جلسه سخنرانی

ایران امروز، امیدهای تازه،

ناامیدی های جدید برای زنان؟ بررسی نتایج ناآرامیها

آیا سرنگونی حکومت ضد انسانی و دیکتاتور اسلامی نزدیک است؟

انتخابات نام نهد، چرا که در این کشور آزادی بیان وجود ندارد. زنان حق کاندید شدن ندارند. کاندیدها باید مورد تایید شورای نگهبان قرار گیرند و با این نتیجه که مردم باید بین چهار مرد که همگی در طول سی سال گذشته در حکومت سهیم بوده، از این حکومت دفاع کرده و در قدرت بودند، یکی را انتخاب کنند.

از سی سال قبل در ایران حکومتی بر سر کار است که با قتل، اعدام سنگسار، سرپا مانده است. سی سال است که حکومت اسلامی از یک آپارتاید جنسی دفاع میکند، زنان را تحقیر میکند و

مینا احدی در سال ۲۰۰۱ کمیته بین المللی علیه سنگسار را بنیان نهاده، او به همراه وکلا و سازمانهای مدافع حقوق انسان علیه سنگسار و علیه نقض وحشیانه حقوق انسانی مبارزه میکند. او ارتباطات زیادی با مردم در ایران دارد و میداند که ناراضی مردم در ایران صرفا به دلیل تقلب در انتخابات امسال نیست. مردم ایران سالهاست که از حکومت اسلامی ناراضی هستند و بر علیه آن مبارزه میکنند.

مینا احدی قبل از این " انتخابات" هم همیشه میگفت که انسان اسم این مضحکه را نمیتواند

## حضور سفرای فرهنگی جمهوری اسلامی در تورنتو به محل افشای جنایات رژیم تبدیل شد



حزب کمونیست کارگری ایران -  
شرق کانادا  
۱۲ نوامبر ۲۰۰۹

آزادی، برابری، حکومت کارگری  
مرکز بر جمهوری اسلامی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

چندین اتوموبیل پلیس به محل فستیوال آمدند که در نهایت و علیرغم شعارهای مکرر مخالفان، پلیس موفق شد معترضین را به بیرون سالن هدایت کند. اعتراضات و شعارهای معترضین در مقابل درب ورودی نمایشگاه هم ادامه پیدا کرد و مردم زیادی در بیرون سالن نمایش فیلم در جریان افشاکاری و شعارهای معترضین قرار گرفتند. ما یک بار دیگر اعلام می کنیم که اجازه نخواهیم داد جمهوری اسلامی و مزدورانش به نام هنر و فرهنگ ... بساط ننگینش را در خارج کشور پهن کند.

از فعالین حزب و سایر جریانات سیاسی توانستند به داخل محل نمایش فیلم راه یافته و با شعارهای "سرنگون باد جمهوری اسلامی"، "مرگ بر رژیم تروریستی اسلامی"، "سفرای جمهوری اسلامی را از کانادا اخراج کنید" و... که به زبانهای فارسی و انگلیسی سر می دادند، توجه جمعیت حاضر در محل این فستیوال را به این اعتراض جلب کنند. اعتراض مخالفان به گونه ای بود که به فاصله ای کوتاهی پس از حضور مخلفین رژیم اسلامی در محل فستیوال، مسئولان برنامه پلیس را در جریان قرار دادند و بلافاصله

در اعتراض به حضور سفرای فرهنگی جمهوری اسلامی در تورنتو به بهانه برگزاری فستیوال فیلم های ایرانی که از طرف "مرکز ایران شناسی تورنتو" (که سازمانی ایجاد شده از طرف سفارت رژیم در اتاوا می باشد) حمایت می شد و نیز اعلام نفرت و انزجار از اعدام احسان فتاحیان، اعضا و کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران همراه با تعداد دیگری از آزادیخواهان و برابری طلبان و فعالین جریانات سیاسی دیگر در محل این فستیوال تجمع کردند. علیرغم مخالفت مسئولان امنیتی سالن نمایش فیلمها، تعدادی

در زندان سنندج امروز یاران احسان مراسمی به یاد او و در گرامیداشت او برپا کردند.

کمیته بین المللی علیه اعدام، به همه کسانی که برای نجات جان احسان تلاش کردند، درود میفرستد و از همگان دعوت میکند با برپایی مراسم و میتینگ و تظاهرات یاد احسان فتاحیان را گرامی بدارند.

در همه جا در ایران و در دنیا با برپایی مراسم و میتینگ، یاد احسان فتاحیان را گرامی میداریم.

زنده باد یاد عزیز احسان فتاحیان  
سرنگون باد حکومت جنایتکار اسلامی  
کمیته بین المللی علیه اعدام

## حتی اجازه نداد، مزدوران چهارپایه را از زیر پایش بکشند!

### گرامی باد یاد احسان فتاحیان

صادر میکند که جنایتکارو درنده و وحشی است. او با این کار خود نمایندگی نفرت میلیونی مردم را میکند که از این دولت و از جلالان و دست اندرکاران این حکومت نفرت دارند.

احسان در این صحنه، با شجاعت و قهرمانانه نمایندگی میلیونها مردمی را میکند که علیه این حکومت به میدان آمده و فریاد زده اند: توپ و تانک و مسلسل و بسیجی و اعدام و جنایت دیگر اثر ندارد. باید بساط کثیف اتان را جمع کنید و بروید.

رسانه اعلام میکند که اعدامی در کار نیست و در خفا، احسان را به میدان اعدام میبرند. اینجا زانوی جلالان است که میلرزد و احسان با قامتی افراشته وارد این میدان میشود و آخرین حرفش اینست که اجازه نمیدهد دستهای کثیف جلالان او را لمس کند و اجازه نمیدهد که چهارپایه را جلالان از زیر پایش بکشند. او خود را از بالای چهارپایه رها میکند و با مرگش سند محکومیت حکومتی را

ملاقات کنند. جلالان از مردم میترسند. رهبرشان لاریجانی، نامه سر بسته به والدین احسان میدهد و در آن حکم اعدام را امضا میکند و همین را نیز جرات نمیکند، به کسی بگوید. و تانک و نیروهای مسلح اشان را در مقابل در زندان آورده و با دستپاچگی و دروغپراکنی، سعی میکنند مردم معترض و منزجر و خشمگین را آرام کنند. رئیس زندانشان، به دروغ به یک

زنداد سنندج امروز صحنه یک واقعه سیاسی مهم بود. در یکطرف جلالان و تیم قاتلین و کوماندوهای اعدام صف کشیده اند و در طرف دیگر یک انسان آزاده و آزادیخواه، یک فعال سیاسی، یک معترض و مبارز علیه حکومت جنایتکار اسلامی، احسان فتاحیان.

همه درها و پنجره ها را بسته اند، تا صدای اعتراض هزاران و میلیونها نفر به این سببیت و وحشیگری به گوش کسی و بویژه به گوش احسان نرسد. به احسان حتی اجازه نمیدهند، آخرین بار والدین و خانواده اش را

## از صفحه ۱ انقلاب جاری، دستاوردها ...

برای روحیه دادن به بدنه رژیم گفت که جمهوری اسلامی سرنگون نمیشود! و دلسوزترهای نظام خطر را به طرفین حکومت گوشزد کردند. دیگر تقریباً تمام جریانات اپوزیسیون، اگر از محافل و جریانات هیپروتی که دور خود میپیچند صرنظر کنیم، و حتی ژوکراهائی مثل نوری زاده هم پذیرفته اند که موسوی و کروبی رهبر چیزی نیستند، این اوضاع است که آنها را به دنبال خود میکشاند. اینرا وقیح ترین رسانه فارسی زبان یعنی بی بی سی هم که دلسوزی زیادی برای حفظ اوضاع و جلوگیری از تحولات زیر و رو کننده میکند، پذیرفته است. سیزده آبان يك زلزله سیاسی بود و همه را تکان داد.

سیزده آبان گستره جغرافیائی اش وسیعتر از روزهای دیگر بود. دامنه اش به خیلی از شهرهای بزرگ کشیده شد. دانشگاهها را درنوردیده بود و به مدارس هم کشیده شد و زنان همچنان حضور گسترده و پرشور داشتند. روزهای قبل از سیزده آبان تظاهرات کارگران لوله سازی و حمایت گرم مردم انقلابی در اهواز را داشتیم و بعد از سیزده آبان اعتصابات کارگری رو به گسترش نهاد و در دانشگاهها آتش مبارزه شعله ورتر شد.

روحیه سیزده آبان تعرضی تر از قبل بود و سرکوب هم عریان تر بود. شعارها حتی با يك ماه قبل تفاوت محسوس داشت. تند و تیزتر بود، نوک قله رژیم را بیشتر نشانه گرفته بود. عکس های خامنه ای و احمدی نژاد را پائین میکشید و مرگ بر آنها میگفت. و به همین اکتفا نمیکرد. مرگ بر اصل ولایت فقیه و مرگ بر قانون اساسی و مرگ بر جمهوری اسلامی هم شعارهای دیگر این روز بود. روز قدس را قبل تر به ضد خودش تبدیل کرده بود، و سیزده آبان را هم به يك روز تمام عیار برای انقلاب تبدیل کرد. آترا به سیزده آبان ۵۷ وصل کرد و برای ۱۶ آذر اعلام آمادگی کرد. دیگر فرماندهان اعظم رژیم هم نگفتند تمام شد و مانع میشویم. احمدی مقدم فرمانده نیروهای انتظامی تنها توانست بگوید که با ماسک هم شناسائی میکینم. یعنی جلو حضورتان در خیابانها را نمیتوانیم بگیریم. رسماً شکستی را اعلام میکنند ولی دلشان را به شناسائی خوش میکنند. و جوانان و دانشجویان که اکنون موتور انقلاب هستند خود را

نیز فضائی پرشور و خشم عمیق و وسیعی را علیه مجازات اعدام و اعدام دلارا شکل داد. قبل از آن نیز از تاجر و اعتراض وسیع علیه اعدام شکل گرفته بود. انقلاب ادامه این اعتراض بود. ادامه اعتراضات گسترش یابنده کارگری بود که در سالهای گذشته به اشکال نوینی از هرطرف سر بلند میکرد. ادامه تظاهرات های بزرگ و اعتصابات سراسری معلمان بود که فضای تازه ای را بر جامعه حاکم کرد و موجی از خوشبینی را شکل داد. علیه بیحقوقی زن بود که با چنان مقاومتی از جانب مردم و بویژه جوانان روبرو شده بود که با ناجا سعی کردند آترا عقب برانند اما حریف نشدند و شکستان را بارها اعلام کردند. انقلاب ادامه شورش جوانان آریاشهر بود که با شعار حکومت اسلامی نمیشویم به دفاع از دختری برخاستند که بخاطر بدحجابی قصد دستگیری اش را دزدی های سران رژیم و آیت اله ها و در مقابل فقر فزاینده مردم بود. اینها خمیرمایه های انقلاب بود و سیزده آبان نقطه اوج آن بود. حرکات و سکنات مردمی که در خیابان میبینیم ذره ای رنگ مذهبی ندارد، ذره ای رنگ تبعیض علیه زن ندارد. مدرن و آوانگارد است. مردانه نیست برعکس زنان را در صف اول خود دارد و همه گزارشات حاکی از رویگردانی گسترده تر مردم از مذهب و آیت اله و مقدسات مذهبی رژیم است. اینها جبهه های نبرد مردم است.

این انقلابی علیه سی سال بیحقوقی است، علیه اعدام است، علیه بیحقوقی زن و آپارتاید جنسی و قوانین ضدزن است، علیه حکومت و قوانین و سنن مذهبی و عقب مانده و برای يك جامعه سکولار و مذهب زدائی و کوتاه کردن دست مذهب از جامعه است، انقلابی برای بیشترین آزادی های سیاسی است. و در همه این عرصه ها نبردهای بزرگی جریان دارد. نبردی که از سالها قبل شروع شده و اکنون به خیابان کشیده و به اوج خود رسیده است. انقلاب در مقابل همین بیحقوقی ها شکل گرفت. انقلابی که از ۲۲ خرداد با حضور میلیونی مردم اعلام وجود کرد چند هفته قبلش اول ماه مه متفاوتی را در تهران و چندین شهر برپا کرده بود که پیش درآمد انقلاب بود. هر کس به اول ماه تهران نگاه میکرد میتوانست صدای زلزله ای را که در راه است از اعماق جامعه بشنود. روحیه کاملاً متفاوتی بر آن حاکم بود. با سالهای قبل فرق داشت. بزرگترین اول ماه سی سال گذشته بود. سران رژیم هم بو میکشیدند. اول صبح دلارا را به قتل رساندند تا جلو اول ماه را بگیرند اما این اقدام



فضائی اش را، نه مقوله ای به نام جرم سیاسی و نه این ارگانهای سرکوب را، نه دم و دستگاه "روحانیت" و آیت اله ها را. و اینها ارکان اصلی حکومت اند و پیروزی مردم در گرو در هم شکستن آنها است و این به مقیاس زیادی به درک و شعور عمومی مردم تبدیل شده است. خواستهائی مانند لغو مجازات اعدام، آزادی زندانیان سیاسی، پایان دادن به قصاص و شکنجه، لغو قوانین قضائی، برچیدن بساط آپارتاید جنسی، برابری زن و مرد، جدائی مذهب از دولت، آزادی های سیاسی، جمع کردن بساط سرکوب از دانشگاه ها و کارخانه ها و خیابانها، به خواست های جنبش توده ای مردم تبدیل شده است. مردم در عرض این پنج ماه تجارب سیاسی گرانبهای اندوخته اند. این انقلاب و رادیکالیسم فرسنگ ها با انقلاب ۵۷ تفاوت دارد.

### عبور از خاکریزها

انقلاب از خاکریزهای زیادی عبور کرده است هرچند هنوز خاکریزهای زیادی در مقابل خود دارد. از موسوی و کروبی خیلی سریع رد شد. مردم هوشیارانه از شکاف در بالا استفاده کردند و راه خود را به جلو باز کردند. توازن قوا را به همت مبارزه انقلابی خود تغییر دادند و چوبدستی ها را کنار گذاشتند. و از طرفی خواست ها و شعارهای مردم چنان به سرعت از اینها فاصله گرفت که دیگر وجه مشترکی با آنها احساس نمیکند. در سیزده آبان با شعار مرگ بر قانون اساسی پاسخ موسوی و کروبی و ته مانده های جنبش ملی اسلامی و شخصیت های این جنبش را دادند. تا همین جا مردم اعلام کرده اند که سر سازش با رژیم و هیچ بخشش را ندارند. هرکس سازش میخواهد، هرکس میخواهد به دوره امام برگردد، هرکس قانون اساسی میخواهد یا فقط اصلاح میخواهد، صفحه ۱۱

## از صفحه ۱۰ انقلاب جاری، دستاوردها ...

حتی اصلاحات قابل توجهی نخواهد، یا باید در مقابل مردم بایستد یا حاشیه تر و بی خاصیت تر شود. این روندی است که رسانه های غربی را هم از تریبون دادن بیشتر به امثال گنجی و عبادی محتاط کرده است. مثل هر انقلابی شخصیت های دوره گذار میایند و بسرعت سپری میشوند. خاکیزهای دیگری را نیز مردم قبلا پشت سر گذاشته بودند. راه حل بحران مرزی و رژیم چینج و غیره نیز که توسط بخش های مختلف اپوزیسیون و شبه اپوزیسیون بورژوا مطرح میشد اساسا جای مهمی باز نکرده بود. نفس اینکه مبارزه مردم شکل انقلاب، یا بخاطر دوستانی که هنوز در مقابل کلمه انقلاب مقاومت میکنند خیزش انقلابی مردم، بخود گرفته است پاسخی به همه راه حل های اپوزیسیون بورژوازی است. مردم شکل چپ و رادیکال را در مبارزه خود انتخاب کردند و واقعیت این است که در این انتخاب مخیر نبودند، این تنها راه پیش پای مردم بود و مردم را در مقابل جریانات بورژوازی قطعی کرد و قطعی تر میکند. هیچ بخشی از جریانات بورژوازی انقلاب نمیخواستند و نمیخواهند به همین دلیل زبانشان الکن شده است. نه میتوانند به راحتی مردم را به تشدید مبارزه فرابخوانند و نه جرات میکنند به مردم خانه نشینی توصیه کنند و نه مردم را از پیشروی برحذر دارند. انقلاب آنها را زمینگیر کرده است. این نیز یکی از بزرگترین دستاوردهای تانکونی مردم است. تجربه سیاسی به مردم نشان داد که چاره ای جز راه حل انقلابی ندارند.

## حفظ دستاوردها، سازماندهی

اما این دستاوردها را باید تثبیت کرد. چگونه؟ قطعا يك شیوه مهم تثبیت دستاوردها طرح شعارهای روشن در خیابان است. شعارها باید روشن تر و صریح تر شود و به شعارهای تثبیت شده در همه تظاهرات ها تبدیل شود. اما این کافی نیست و حتی برای تحقق همین هم باید اقدامات دیگری در دستور گذاشت. بر سر شعارها هم جنگی میان سازشکاران و مردم آزادیخواه در جریان است. صف آزادیخواهی باید روشن تر از این حرکت کند و اینجا است که نقش سازماندهی و شکل دادن به رهبری متشکل اهمیت حیاتی پیدا میکند. انواع جمع ها و

محدود بماند ممکن است مردم را فرسوده کند، نیرویشان را تحلیل ببرد و به دشمن امکان سرکوب بدهد. خانواده ای که آزادی فرزندش را میخواهد، کارگری که حقوق عقب افتاده اش را طلب میکند، دانشجویی که مانع حضور مقامات در دانشگاه میشود و اخراج حراست و بسیج را فریاد میزند، خبرنگاری که آزادی عمل بیشتری میخواهد اینها همه و همه باید گسترش یابد و نهادینه شود. نیروی عظیمی حول همین خواست ها به حرکت در میایند و نه الزاما با شعار مرگ بر دیکتاتور در خیابان. اما اینها در شرایطی که انقلابی در جریان است، عملا جبهه های مختلف انقلابی و انقلاب را تعیین بیشتری میدهند و به جلو میروند. بویژه در این جبهه ها است که مردم به اشکال مختلفی حول رهبران مورد اعتماد خود متحد و متشکل میشوند و خواست های خود را بیان میکنند. اینجا است که رهبران محلی و عملی در کارخانه و دانشگاه و محله اهمیت حیاتی پیدا میکنند. جنبش عمومی و تظاهرات های بزرگ خیابانی نیز باید به این روند کمک کند. باید خواستهای یخش های مختلف مردم از کارگران و زنان و دانشجویان را قویا منعکس کند و تلفیق محکمی از این جبهه ها و خواستها شکل بگیرد. این قدمی است که انقلاب را به مرحله بازگشت ناپذیری میرساند.

## سازماندهندگان انقلاب و صحبتی با رفقای کمونیست

هزاران نفر در بطن مبارزه سیاسی در ماههای گذشته نقش فعال، سازمانده و هدایت کننده داشته اند و تا همین جا نقشی بسیار حیاتی ایفا کرده اند و تجارب گرانبهائی کسب کرده اند. بر تردیدهای اطرافیان خود غلبه کرده اند، در خیابان در صف اول ایستاده اند و هدایت کرده اند، جلو خیلی شعارها را سد کرده اند و شعارهای خود را حاکم کرده اند، جلو خیلی توطئه ها را گرفته اند. به زندان افتاده اند و اسرار خود را حفظ کرده اند و یا خبرهای انقلاب را به دنیا رسانده اند. اینها بعضا خیلی جوان و یا فعالین سیاسی قدیمی تری هستند که درجه آگاهی بالائی دارند و بعضا جوانان پرشوری هستند که تا يك سال قبل شاید تجربه خاصی در مبارزه سیاسی نداشته اند. اینها سراپا شور و شهادتند و بار مهمی را بر دوش

دارند و تا همین جا با خلاقیت زیادی ابتکار عمل را در دست گرفته اند و دست به انواع ابتکارات زده اند. این شور و اشتیاق و این پتانسیل عظیم را باید افق داد. و اینجا است که نقش کمونیست ها حیاتی میشود. اما کمونیست ها خود باید افق روشن تری داشته باشند که بتوانند به دیگران کمک کنند. کمونیستی که خود هنوز هزار ابهام دارد، هنوز ظرف متشکلی ندارد، هنوز در مشغله های ده سال قبل سیر میکند، کمک لازم را نمیتواند بکند. هزاران کمونیست و محفل کمونیستی هستند که اگر به افق روشنی مسلح شوند، به نیروئی تبدیل میشوند که در عرصه عمل جنبش های دیگر را میتواند به سرعت حاشیه ای کند. و فراخوان من این است که حزب کمونیست کارگری را تقویت کنند. به آن پیوندند و یا همراه و همدوش آن به ایفای نقش بپردازند. انقلاب آنها را صدا میزند. جوانان پرشور و رهبران عملی انقلاب، فعالین جوان و پرشور به کمک آنها نیاز دارند. از دختران دانش آموز تا زنانی که جسورانه در خیابان هستند به آنها نیاز دارند. همین امروز و قبل از اینکه دیر شود نیاز دارند. این رفقا باید تکلیف خود را با گذشته یکسره کنند. دوره کار آرام سیاسی و تحقیق و تفحص و خیلی از مرزبندی ها نیست. اینها را بعدا هم میتوان انجام داد. اکنون وقت گسترش و تعمیق و رادیکال تر کردن همین انقلاب و به پیروزی رساندن آن است. وقت شرکت فعال در آن است. بسیار میشنومیم که این مبارزه هنوز خام است، هنوز خیلی جاها مرزبندی های روشن با جناح های حکومتی و ناسیونالیسم و غیره و غیره ندارد یا هنوز انقلاب نیست. اما این آنها را بی وظیفه نمیکند برعکس وظیفه آنها را سنگین تر و حضور فعالشان را حیاتی تر میکند. باید در دل این اعتراض بود تا به آن کمک کرد. باید در خیابان حضور داشت تا به پیشروی آن و رادیکالیزه شده آن کمک کرد. ما نکنیم دیگران آنها را سمت دیگری میبرند. هر مبارزه ای عرصه کشمکش جنبش ها و جریانات مختلف است. در هر اعتصابی در هر کارخانه ای نظرات مختلف کمونیستی و رفرمستی و غیره هست. و هیچ کارگر کمونیستی نگفته است نوبت من نیست، یا این مبارزه خام است، یا گرایشات دیگری دارد. این انقلاب هم محل تلاقی گرایشات مختلف

است. عده ای در آن شرکت میکنند تا آنرا به سازش بکشانند. توده وسیعی از شرکت کنندگان هم تمایز این خطوط را لااقل آنجا که مساله کمی پیچیده تر میشود نمیدانند. باید در کنار آنها بود و بی وقفه با همان سرعتی که اوضاع جلو میرود آنها را با خطوط مختلف و شعارها و تاکتیک های آنها آشنا کرد و تفاوت ها را برایشان توضیح داد.

فراخوان من به کمونیست های زیادی که دلسوزانه و فداکارانه در این مبارزه شرکت میکنند، این است که اگر میخواهند نقش بزرگ و موثری ایفا کنند، که قطعا میخوانند، جایشان در این حزب است. حزب کمونیست کارگری قاطعانه در مقابل گرایشات سازشکار و ناسیونالیستی و قومپرست و مذهبی ایستاده است و تا همین جا در حاشیه ای کردن آنها و نقشه ها و تئوری هایشان نقش مهمی ایفا کرده است. زمینه فعالیت کمونیستی را بسیار فراهم تر کرده است. در مقیاسی اجتماعی به کمونیسم و ایده ها و مطالبات کمونیستی اعتبار داده است. کمونیسم را به نیروئی خوشنام و مهم و موثر تبدیل کرده است. در تعمیق این انقلاب و افق دادن به فعالین آن نقش بی چون و چرائی داشته است اما برده ای که تقویت شود قدرت تاثیرگذاری آن نیز بیشتر میشود. نباید اجازه دهیم این موقعیت از بین برود. کسی ما را نمی بخشد. مردم آماده اند و عزمشان برای سرنگونی جمهوری اسلامی راسخ است، بقیه اش برمیگردد به اینکه ابزار اینکار را دارند یا نه. و من میخواهم بگویم ما ابزار اینکار هستیم. ما ابزاری برای همه کمونیست ها و همه انسانهای شریف و آزادیخواه هستیم. باید این ابزار را بست بگیرد و تقویتش کند. انقلاب بدون رهبری کمونیستی و بدون يك حزب قدرتمند و همه جا حاضر به پیروزی نمیرسد. در مقابل جمهوری اسلامی، در مقابل اصلاح طلبان حکومتی و غیر حکومتی و ناسیونالیست و قومپرست عقب مانده و جمهوریخواه مرتجع باید این ابزار تقویت شود. بدون رهبری و بدون ابزار این انقلاب به جایی نمیرسد و حزب کمونیست کارگری هر میزان انتقاد هم به آن داشته باشید شایسته ترین و آماده ترین نیروئی است که میتواند این انقلاب را رهبری کند و به پیروزی برساند. نقش شما در این حزب و همدوش این حزب حیاتی است.\*



## به فراخوان علی نجاتی در همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه با تمام قدرت پاسخ دهیم

### شهلا دانشفر

ایستاده و با آن مامشات کرده است، را به چالش بکشد، و بر حقوق انسانی کارگران تاکید بگذارد.

بطور واقعی کارگران نیشکر هفت تپه طی چند سال مبارزات پرشورشان الگوهای خوبی از مبارزه در مقابل جنبش کارگری گذاشته‌اند و نقش چشمگیری در پیشروی های آن داشتند. این کارگران با مبارزات متحدانه شان نیروی جدیدی به مبارزه برای نقد کردن دستمزدهای پرداخت نشده که پدیده ای اجتماعی و سراسری در ایران است بدهند. این کارگران طی مبارزاتشان با کشاندن مبارزاتشان به مرکز شهر شوش و بسیج مردم منطقه و همراه کردن خانواده هایشان، توانستند نیروی قدرتمندی شوند و تشکل خودشان سندیکای نیشکر هفت تپه را با قدرت اتحادشان شکل دهند و در زمینه سازمانیابی توده ای کارگری به عنوان امر خود کارگران الگو باشند. این کارگران توانستند با به خدمت گرفتن قدرت مجمع عمومی کارگری و حفظ اتحادشان در برابر فشار های کارفرما و دولت بایستند. الگویی باشند برای بیرون کردن نیروهای سرکوبگر از کارخانجات و در اعتراضی جمعی رییس حراست را از کارخانه بیرون انداختند. و نیز وقتی رهبرانشان را محاکمه میکردند، به خیابانها آمدند و با شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد، کار دادگاه جمهوری اسلامی را متوقف کردند.

اکنون نیز کارگران نیشکر هفت تپه تنها با اعتراضات و تجمعات خود و با جلب حمایت وسیع مردم شهر و منطقه و خانواده های کارگران میتوانند جلوی این تعرضات را بگیرند. اهمیت نامه علی نجاتی در جلب همبستگی وسیع کارگران را نیز در همین جا باید دید.

باید وسیعاً به احکام صادر شده برای کارگران نیشکر هفت تپه اعتراض کرد. باید خواهان لغو پرونده های تشکیل شده برای کارگران نیشکر هفت تپه و احکام صادر شده برای آنان و آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی دستگیرشدگان اخیر و زندانیان سیاسی از زندان شد. و برای پیشبرد این مبارزه، همانطور که علی

نجاتی رییس سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه فراخوان داده است، باید با کمک های مالی خود به خانواده های این کارگران و صندوق اعلام شده از سوی او کاری کنیم که نگذاریم دغدغه و نگرانی مالی مانع تداوم مبارزات بر حق این کارگران در دفاع از حق تشکل و دستاوردهایی که در مبارزاتشان داشته‌اند، و در واقع دستاوردهای کل جنبش کارگری است، داشته باشند.

۵۰۰۰ کارگر نیشکر هفت تپه به‌همراه خانواده ها و با جلب حمایت وسیع کل جامعه، نیروی وسیعی هستند که میتوانند نه تنها جمهوری اسلامی را به عقب نشینی و لغو پرونده های تشکیل شده برای همکارانشان و احکام زندان برای آنان و ادار کنند، بلکه خواهند توانست صف مبارزه برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی از زندان و باز کردن درب زندانها را قدرتمند تر سازند.

من در زیر جهت اطلاع رسانی بیشتر ضمناً تاکید بر حمایت وسیع از فراخوان کارگران نیشکر هفت تپه در همبستگی با مبارزات آنان، گزارشی از آخرین وضعیت کارگران نیشکر هفت تپه و احکام صادر شده برای آنان و نیز متن فراخوان علی نجاتی در همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه را می‌آورم.

۵ تن از کارگران نیشکر هفت تپه که کارگران معترض و نمایندگان منتخب و محبوب کارگران نیشکر هفت تپه که اعضای هیات مدیره سندیکای آنان هستند، به اسامی علی نجاتی، فریدون نیکوفر، قربان علی پور، جلیل احمدی و محمد حیدری پور، بخاطر مبارزاتشان در سال ۸۶ در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده و دیگر مطالباتشان و بخاطر تلاش برای ایجاد تشکل خود، سندیکای نیشکر هفت تپه به احکام زندان محکوم شده‌اند. بنا به حکم دادگاه شعبه ۱ انقلاب دزفول، برای ۵ نفر اول ۶ ماه حبس تعزیری و ۶ ماه حبس تعلیقی و برای محمد حیدری پور چهار ماه حبس تعزیری و هشت ماه حبس تعلیقی حکم صادر شده است. این احکام جنایتکارانه توسط دادگاه تجدید نظر مورد تایید و جهت اجرا به دادگاه اجرای احکام ارجاع شده است. همچنین بر اساس

این احکام این کارگران بمدت سه سال از هر گونه فعالیتی در دفاع از حقوق انسانی خود و همکارانشان منع شده‌اند و روز سه شنبه ۲۸ مهر ماه حراست کارخانه نیشکر هفت تپه طی اعلانی که آنرا در تابلوی اعلانات نصب کرده بود این ۵ نفر را به کارخانه ممنوع ورود کرد.

به گزارش وب لاگ سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، در راستای اجرای احکام زندان صادر شده برای کارگران نیشکر هفت تپه، قبل از ظهر روز ۱۴ آبان فریدون نیکوفر و جلیل احمدی دو تن از اعضای هیئت مدیره سندیکای این کارگران به محل حراست فراخوانده شده و همانجا توسط نیروهای انتظامی دستگیر و به زندان منتقل شدند. دوتن دیگر از اعضای سندیکای هفت تپه روانه زندان شدند. همچنین روز شنبه ۱۶ آبان دو تن دیگر از اعضای سندیکای هفت تپه بنامهای قربان علیپور و محمدحیدری مهربعدازاینکه خود را به دادگاه شهرستان شوش معرفی کردند، از طریق شعبه اجرای احکام دادگاه به زندان شهرستان دزفول منتقل شدند. بنابه گزارشها، تحت همین فشارها علی نجاتی رئیس هیئت مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه بیش از ۲۰ سال است که در این شرکت کار میکند، از کار اخراج و بیش از ۶ ماه است که از حقوق و مزایا محروم و هر آن در خطری دستگیری و زندان است.

هم اکنون احکام زندان موضوع اعتراض این کارگران است. روز ۱۸ مهر بود که کارگران این کارخانه در اعتراض به این احکام دست به تجمعی اعتراضی زدند و مدیریت شرکت به بهانه کمبود نقدیگی، پاسخی به اعتراض کارگران نداد. هم اکنون احکام زندان موضوع اعتراض این کارگران است.

کارگران نیشکر هفت تپه خواستار لغو احکام صادر شده زندان برای رهبران و نمایندگان محبوبشان و آزادی فوری کارگران دستگیر شده از زندان و به رسمیت شناختن تشکلشان هستند. کارگران در همین اعتراضاتشان تهدید کردند که در صورتیکه خواسته های آنها تحقق نیابد آنها در روزهای

آینده اقدام به اعتراضات گسترده خواهند زد. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه نیز در دوم آبانماه ۸۸، در حالیکه هر کدام از اعضای هیات مدیره آن، هر آن خطر دستگیر و زندان رفتن تهدیدشان میکند، طی نامه ای به سازمان جهانی کار و سازمانهای کارگری در سراسر جهان، ضمن محکم کردن صدور احکام برای اعضای این سندیکا، بر حق مسلم خود حق داشتن تشکل خود، سندیکا، و تاکید بر خواستها و اعتراضات برحقشان، خواهان محکوم کردن سرکوب و فشار بر روی کارگران و صدور احکام زندان برای کارگران نیشکر هفت تپه، در سطح بین المللی و فشار آوردن بر حکومت ایران برای لغو این احکام میشوند.

صدور احکام زندان با اعتراض دیگر مراکز کارگری نیز روبرو شده است. در همین رابطه اتحادیه آزاد کارگران ایران طی اطلاعیه ای در ۳۰ مهر ماه تحت عنوان "سیاست سرکوب و زندانی کردن کارگران راه به جایی نخواهد برد" این احکام را محکوم کرده است. و در بخشی ای اطلاعیه مینویسد: "اتحادیه آزاد کارگران ایران صدور حکم زندان بر علیه کارگران نیشکر هفت تپه و ارجاع آن جهت اجرا به دادگاه اجرای احکام را قویاً محکوم میکند و خواهان لغو فوری و بی قید و شرط این احکام و آزادی عموم فعالین صنفی و عقیدتی و اعتراضات اجتماعی در بند از زندان و پایان دادن به تعقیب قضائی آنهاست و از اعضای خود و عموم کارگران در سراسر کشور میخواهد تا متحدانه بر علیه به زندان افکندن کارگران نیشکر هفت تپه به اعتراض بر خیزند و با سازمان دادن حمایتهای وسیع و همه جانبه از آنان و خانواده هایشان، سد محکمی را در برابر یورش حامیان سرمایه به این کارگران ایجاد کنند." همچنین سندیکای کارگران شرکت اتوبوسرانی واحد طی اطلاعیه ای صدور احکام زندان برای کارگران نیشکر هفت تپه را محکوم کرده و در بخشی ای آن مینویسد: "سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ضمن محکوم کردن احکام صادره برای فعالین سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، خواستار آزادی همه فعالین کارگری از جمله ابراهیم مددی و منصور اسالو، فرزاد کمانگر، مهدی فراخی فراخی شاندیزو لغو صفحه ۱۳

## فراخوان علی نجاتی، رئیس هیات مدیره ی سندیکای هفت تپه به هبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه

### فراخوان به هبستگی کارگری کارگران!

تا به امروز چهار نفر از اعضای هیات مدیره ی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به نام های فریدون نیکوفرد، جلیل احمدی، قربان علیپور و محمد حیدری مهر روانه ی زندان شده اند و هم اکنون در زندان دزفول محبوس میباشند.

دستگاه قضایی در چند روز آینده، دوره ی حبس مرا نیز به من تحمیل خواهد کرد.

ما برای به دست آوردن حقوق خود و دفاع از مطالبات بر حق کارگران هفت تپه و به دست آوردن کمترین امکانات معیشت و حقوق انسانی تلاش کرده ایم. اما ما محکوم و زندانی می شویم.

ما در چند روز پیش نیز نامه ای سرکشاده به سازمان جهانی کار نوشتیم و رونوشت آن را به تمام نهاد های کارگری و حقوق بشری و رسانه ها، ارسال کردیم.

ما میدانیم که آنها از بی حقوقی که بر کارگران ایران تحمیل میشود با

خبر هستند. میدانیم که قرار نیست کسی جز خود کارگران به داد خودشان برسد. اما ما اتمام حجت کردیم و از آنان پرسیدیم که آیا بیخبرید؟ آیا اقدامی خواهید کرد؟ میدانیم که نتیجه، اقدام موثری از سوی آنان نخواهد بود.

ما میدانیم که ایجاد تشکل های مستقل کارگری حق مسلم کارگران است.

در حالی که کارفرماها آزادانه تشکل دارند، کارگرانی که تشکل های مستقل کارگری خود را بنا میکنند محکوم و زندانی میشوند.

ما اعتقاد داریم به جز تلاش های خود کارگران و اتحاد و هبستگی میان آنان، ما کارگران موفق نخواهیم شد به خواسته ها و مطالبات خود دست یابیم.

من و دیگر همکارانم در سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، برای مدت شش ماه در زندان محبوس خواهیم بود.

در مدت هشت ماه ای که من را

از کار اخراج کرده بودند کم نبودند کارگرانی که علاوه بر حمایت های روحی خود، در حد توانشان کمک های مادی کردند. این کمک ها اگر چه بسیار کمتر از حقوق دریافتی سابق من بود اما برای من از هزاران هزار کمک دیگر با ارزش تر بود زیرا نشان از آن داشت که کارگران به درستی میدانند که من و دیگر همکارانم برای دفاع از حقوق آنان تلاش می کرده ایم. به همین خاطر من بنا بر اعتقاد تنها کمکی که دریافت کردم کمک از کارگران بود.

مبلغ آن اگر چه کمتر از حدی بود که حتی سطح زندگی سابق مرا حفظ کند اما، بسیار با ارزش بود.

این کمک ها به جای هر نهاد و مکان و کسان دیگری مرا مدیون به همکاران کارگر من میکرد.

امیدواریم که این امر به شکل یک سنت کارگری در میان دیگر کارگران رواج پیدا کند.

تا روزی که فقط اخراج شده بودم، به همان کمک های دوستان کارگر

آشنا با خود بسنده کردم. اما امروز علاوه بر من چهار کارگر دیگر نیز از دریافت حقوق خود محروم میشوند.

دوستان زیادی پرسیده اند که کارگرانی که امکان تماس چهره به چهره با خانواده های این پنج کارگر زندانی را ندارند چگونه میتوانند برای هبستگی کارگری، کمک های مالی خود را برای رساندن به خانواده هایشان به آنان برسانند.

در ساعت ۱۱:۴۵ امروز پیش از آنکه دو نفر دیگر از دوستانم به دادگاه و زندان فرستاده شوند، با آخرین تماس و توافقی که با آنان و دیگر همکارانم انجام شد، قرار بر این شد که شماره حسابی به نام اینجانب اعلام شود تا کمک های مالی ارسالی از سوی کارگران به آن واریز شود و از آن طریق، مبلغ کمک شده به خانواده های این پنج کارگر پرداخت شود. (که این شماره حساب متعاقبا اعلام میشود).

ما می خواهیم به جای هر کمک مالی از هر طریق، فقط و فقط از حمایت های کارگری برخوردار شویم.

### کارگران!

امروز، روز حمایت از کارگرانی است که در هفت تپه برای احقاق مطالبات کارگری، تلاش کردند و از سوی کارگران هفت تپه به نمایندگی در یک تشکل مستقل انتخاب شدند و امروز تنها به خاطر دفاع از حقوق کارگری خود به زندان محکوم شده اند.

بلون شک، فردا و فرداهای بعد که ما در زندان نباشیم، ما نیز در انجام این وظیفه ی کارگری سهم خواهیم بود.

پیشاپیش از حمایت ها و تلاش های کارگران هفت تپه و دیگر کارگران تشکر میکنم و امیدوارم با اتحاد و هبستگی هر چه بیشتر در راه ایجاد تشکل های مستقل کارگری خود تلاش کنیم تا بتوانیم به حقوق و خواسته های برحق خود دست پیدا کنیم.

به امید اتحاد روزافزون کارگران

علی نجاتی

رئیس هیات مدیره ی سندیکای

کارگران نیشکر هفت تپه

شنبه ۱۶ آبان ماه ۸۸

## انترناسیونال

### نشریه حزب کمونیست کارگری

سر دبیر:

محسن ابراهیمی

هیئت تحریریه:

کاظم نیکخواه، فاتح بهرامی، محمد آسنگران

مسئول صفحه بندی: آرش ناصری

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

### موعد دریافت مقالات

چهارشنبه ها

11 شب بوقت اروپای مرکزی

5 بعد از ظهر بوقت شرق آمریکا

**سرنگون باد جمهوری اسلامی!**  
**زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

## اعتصاب کارگران فصلی نیشکر هفت تپه

مردم آزاده منطقه می خواهد که بی دریغ و قاطعانه از اعتراض به حق کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه حمایت کنند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ نوامبر ۲۰۰۹، ۱۹ آبان ۱۳۸۸

استخدام می شوند، از شرایط کار دشواری برخوردارند و چهار تا شش ماه از سال را بیکار هستند.

حزب کمونیست کارگری از همه کارگران نیشکر هفت تپه، اعم از موقت و رسمی یا دائمی و فصلی، می خواهد که متحد و یکپارچه و دوش به دوش هم به مبارزه برای عقب راندن مدیریت این شرکت ادامه بدهند و بی توجهی و عدم رسیدگی به مطالبات خود را قبول نکنند. حزب از همه

بنا به گزارشی که روز سه شنبه ۱۹ آبانماه منتشر شده است، بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارگران فصلی نیگل سیاه کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در اعتراض به عدم دریافت پاداش سالیانه خود، روز ۱۸ آبانماه دست به اعتصاب زده و در محل کمپ نیگیل این شرکت تجمع کردند. لازم به یادآوری است که این کارگران که بصورت فصلی و موقت برای برداشت نیشکر و بریدن نی

از صفحه ۱۲ به فراخوان علی نجاتی ...

اتحادیه های کارگری، در اعتراض به احکام زندان برای کارگران نیشکر هفت تپه نامه ای خطاب به خامنه ای داده است که در آن مینویسد: "من این نامه را از جانب کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری (آی تی یو سی) که نمایندگی بیش از ۱۷۰ میلیون کارگر را در سراسر جهان دارد که شامل

احضارهای فعالین کارگری دستگیر شده در روز جهانی کارگر می باشد".

در همین رابطه جمعی از کارگران ایران خودرو صدور احکام زندان برای کارگران نیشکر هفت تپه و دستگیری آنها را طی اطلاعیه ای محکوم کردند.

در نتیجه این تلاش ها دبیر کل کنفدراسیون بین المللی

کشور اسلامی نیز می باشد به عنوان اعتراض نسبت به مجازاتهای دادگاه برعلیه رهبران اتحادیه های کارگری، آقایان علی نجاتی، فریدون نیکوفرد، محمد حیدری مهر، قربان علیپور، نجات دهلی و جلیل احمدی برای شما مینویسم". او در این نامه بر لغو احکام صادر شده برای کارگران و حق داشتن تشکل تاکید میگذاورد.\*



مطالبات و شعارهای دانشجویان این را به خوبی نشان می دهد. و از جمله اتفاقات می توان به تمسخر نیروهای بسیجی توسط دانشجویان اشاره کرد و اینکه دیگر قدرت اربابشان را از دست داده و فرسوده شده اند و در مقابل، دانشجویان متحد تر و رادیکال تر می شوند.

اعتراضات زیاد و بی وقفه ای در دانشگاه ها در جریان است که اشاره ای به تعدادی از آنها می کنیم. از جمله دانشجویان دختر دانشگاه شریف روز ۲ شنبه ۱۸ آبان در اعتراض به برخوردهای حراست با دختران دانشجو به بهانه "بدحجابی" و تعلیق از تحصیل دو دانشجوی دختر به همین بهانه در سالن غذا خوری دانشگاه تجمع اعتراضی برپا کردند. گفتنی است که در دانشگاه شریف و خواجه نصیر دستورالعملهایی ابلاغ کرده اند و تیم هایی برای برخورد با دختران تشکیل داده اند.

دانشجویان دانشگاه علم و صنعت هم در اعتراض و اعتصاب هستند و شعارشان "مرگ بر دیکتاتور" و "دانشجوی سیاسی آزاد باید گردد" و "پول نفت چی شده خرج بسیجی شده" است.

دانشگاه خواجه نصیر در تهران چندین روز است که در اعتراض و اعتصاب به سر می برند. دانشجویان دانشگاه را به حالت تعلیق درآورده و شعار هایشان "مرگ بر دیکتاتور" و "دانشجوی زندانی آزاد باید گردد" و "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" است. اعتراضات این دانشجویان از روز ۱۶ آبان شروع شده و همچنان ادامه دارد. دانشجویان در این دانشگاه به شدت با بسیجی ها درگیر هستند.

دانشجویان دانشگاه شیراز در اعتراض به دستگیری ۳۰۰ نفر از دوستانشان در روز ۱۳ آبان به اعتراض دارند. دانشجویان دانشکده کشاورزی این دانشگاه روز ۱۶ آبان در جمعی به دستگیری دوستانشان اعتراض کرده و اقدام به اعتصاب غذا کردند. نیروهای سرکوبگر به دانشجویان حمله کردند و نوک حمله اوپاش اسلامی به دانشجویان دختر بود. دانشجویان در مقابل با شعار "مرگ بر خامنه ای" و "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" به تجمع خود ادامه دادند. فضای این دانشگاه همچنان ملتهب است.

دانشجویان دانشگاه هرمزگان نیز از روز ۱۶ آبان به مدت یک هفته کلاس های

## گفتگو با نوید مینایی

از صفحه ۱

همه این موانع را کنار زده و وارد مدارس شده است. نوجوانان علی‌رغم همه این فضای سرکوب دارند اعتراضات خود را آغاز می کنند و مدارس را عرصه مبارزه با جمهوری اسلامی می کنند. بسیار طبیعی هم هست. چرا که این نوجوانان همان هایی هستند که در خیابان یا جمهوری اسلامی مبارزه می کنند و دوستان و همکلاسی های اشکان و سهراب و آرش و سایر نوجوانانی هستند که جمهوری اسلامی به قتل رسانده و یا در کهریزک و اوین شکنجه کرده است.

البطبع دانش آموزان علیه این همه سرکوب و فضای اختناق هستند که در مدارس حاکم است. حضور آخوند و امروز مبلغ سیاسی جز برای ایجاد وحشت و سرکوب نیست و نوجوانان علیه این فضا به پا خاسته اند. با شعار هایی که می دهند با سرودهایی که می خوانند و تجمع شان در محوطه مدارس دارند بین خودشان اتحاد و همدلی ایجاد می کنند و علیه همه این سیاست های سرکوبگرانه می ایستند. در مقابل دشمن صف بندی می کنند و صف شان را منسجم می کنند و به قدرت جمعی شان اتکا می کنند و یاد می گیرند متحد باشند. این نوجوانان همانطور که علیه سرکوب و آخوند و بسیجی و نماینده ولی فقیه هستند بالطبع شعارشان هم علیه همین ها باید باشد و مثل دانشگاه و خیابان "مرگ بر دیکتاتور" و "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و "آزادی و برابری" از جمله شعارها و مطالبات آنان است.

**انترناسیونال:** دانشگاه ها به خصوص از بعد از روز ۱۳ آبان صحنه اعتراض به حکومت اسلامی بوده اند و بیک دم از اعتراض باز نایستاده اند. وضعیت دانشگاه ها و اعتراضات دانشجویان در روزهای اخیر چگونه بوده است؟

**نوید مینایی:** دانشگاه در واقع اولین جایی بود که حکومت می خواست سرکوب کند. واقعه و فاجعه کوی دانشگاه که در ۲۴ و ۲۵ خرداد اتفاق افتاد ابعادش بسیار گسترده تر از تیر ۷۸ بود و تعدادی از دانشجویان کشته شدند. این سرکوب ها با شدت و حدت از طرف حکومت ادامه یافته است. ولی اتفاق مهمی که افتاده این است که دانشگاه و دانشجویان نه تنها مرعوب و مغلوب نشده اند که بسیار تعرضی و رادیکال تر شده اند. شکل اعتراضات و

**انترناسیونال:** در آستانه ۱۶ آذر هستیم در حالیکه جوانان و نوجوانان در انقلاب جاری در ایران نقش تعیین کننده ای دارند. جوانان مثل همیشه دانشگاه را به مرکز اعتراض به جمهوری اسلامی تبدیل کرده اند با این تفاوت که مطالبات دانشجویان کاملاً ضد حکومتی شده است. نوجوانان هم در مدارس اعتراضات شان را آغاز کرده اند و می توان گفت انقلاب به مدارس هم رفته است. وضعیت در مدارس چگونه است؟

**نوید مینایی:** بله مدارس هم با موج گسترده اعتراضات به صف انقلاب پیوسته اند. جوانان و نوجوانانی که در خیابان در اعتراضات حضور دارند و اتفاقاً نیروی عمده ای هم در این اعتراضات هستند، دارند مدارس را نیز به عرصه مبارزه با حکومت اسلامی تبدیل می کنند. گزارش هایی از مدارس تهران و کرمانشاه داشته ایم که گواه این امر است. حمله اوپاش اسلامی به مدارس هم همین را تأیید می کند. شعار دادن و سرود خواندن و تجمع و احساس همبستگی و اتحاد در مقابل مسئولین مدارس (که عمدتاً مسئول ایجاد رعب و وحشت در میان دانش آموزان هستند) در بین دانش آموزان دارد باب می شود. بچه ها سرود می خوانند و شعار می دهند و از این طریق حس همبستگی شان تقویت می شود.

کسانی که در جمهوری اسلامی مدرسه رفته اند فضای سرکوب و ایجاد رعب و وحشت در میان نوجوانان را به خوبی می شناسند. انواع و اقسام نهادهای اسلامی و تنبیهی و نظارتی در مدارس راه انداخته اند و از این جهت شدت کنترل و سرکوب در مدارس به مراتب بالاتر از دانشگاه است. از بعد از مهر ماه امسال هم پلیس و نیروهای سرکوبگر حضور دائمی در اطراف مدارس دارند که مسئولین آموزش و پرورش هم این موضوع را تأیید کرده اند. طرح گسیل ۴۰۰۰ مبلغ سیاسی! از جمله طرح های آموزش و پرورش است که در کنار آخوند و پایگاه بسیج و پلیس قرار است مدارس را کنترل کنند و این خود نشان دهنده وحشت حکومت از مدارس و همین طور نشان دهنده حال و هوای اعتراضی مدارس است که جمهوری اسلامی را واداشته تا عکس العمل نشان بدهد. ولی انقلاب با تمام قدرتی که دارد،

خواهد بود. امسال به نظر من ۱۶ آذر در خیابان ها بسیار پر جمعیت تر و رزمنده تر از دانشگاه ها خواهد بود. حکومت و قداره بندان سپاه اسلام هر چه علیه مردم در ۱۳ آبان قمه چرخاندند و تهدید کردند، نتوانستند جلوی اعتراض گسترده مردم را بگیرند و دیدیم که چه شد و حضور فوق العاده ای در تجمعات مردم و جوانان و به خصوص زنان داشتند. ۱۶ آذر که از جایگاه اعتراضی و پتانسیل بیشتری برای تجمع و اعتراض دارد باید نقش ویژه ای در تغییر توازن قوا به نفع مردم داشته باشد. یعنی جوانان و مردم باید در کنار اینکه در خیابان و دانشگاه و مدرسه حضور دارند، با طرح مطالبات شان و با تثبیت آنان جمهوری اسلامی را عقب بزنند. این یعنی اینکه ۱۶ آذر روزی برای طرح مطالبات و عمومی کردن شان است.

طی روزهای گذشته همانطور که در اخبار و گزارشات هم می بینیم جمهوری اسلامی تمرکز ویژه ای بر روی زنان و دختران دارد و سرکوب آنان برایش در درجه اول اهمیت است که از خصلت ضد زن و سیاست آپارتاید جنسی حکومت ناشی می شود. دانشجویان همیشه با آپارتاید جنسی و جدا سازی جنسی مبارزه کرده اند و امروز هم این عرصه یکی از مهم ترین عرصه های مبارزه با جمهوری اسلامی است. در واقع تبعیض جنسی و برخورد با دختران امری "دخترانه" نیست، مثل مسئله زندانی سیاسی و دانشجوی زندانی ست که امر همه دانشجویان و همه مردم است و همه باید در مقابلش بایستند. دستگیری و زندانی کردن دانشجویان، اعدام جوانان و نو

جوانان، فقر و تورم و بی کاری، قتل و کشتاری که ۳۰ سال است بی وقفه ادامه داشته و دزدی و چپاول اموال عمومی که منجر به فقر و کاهش امکانات رفاهی در جامعه می شود

درس و دانشگاه را در اعتراضات به وضعیت وخیم امکانات دانشگاه و برخورد های سرکوبگرانه مسئولان دانشگاه، تعطیل کرده اند. مرگ سعید نیکنام دانشجوی این دانشگاه که در اثر بیماری و نبودن امکانات بهداشتی و پزشکی جان خود را از دست داد نیز باعث خشم دانشجویان و بالاگرفتن اعتراضات آنان شده است.

دانشجویان یاسوج نیز هفته گذشته در اعتراض به جداسازی جنسی در سرویس های دانشگاه دست به تجمع و اعتراض زدند و کلاس های درس را تعطیل کردند. این اعتراض بلافاصله به اعتراض ضد حکومتی تبدیل شد و چندین روز هم ادامه داشت.

دانشجویان خمینی شهر هم در حمایت و ادامه اعتراضات دانشجویان دانشگاه آزاد تهران سه شنبه ها تجمع اعتراضی برپا می کنند و با شعارهای ضد حکومتی و علیه حضور بسیجی ها در دانشگاه به صف اعتراضات دانشجویان دیگر علیه جمهوری اسلامی پیوسته اند. به این ها باید اعتراضات گسترده و ادامه دار دانشجویان دانشگاه آزاد تهران، نجف آباد، بناب، دانشگاه شریف، پلی تکنیک، تهران، کرمان، چمران اهواز فروردوسی مشهد را نیز اضافه کرد که هر روز با برپایی تجمعات اعتراضی فضای بسیار رزمنده و رادیکالی را بر دانشگاه های ایران غالب کرده اند. از طرفی مسئولین دانشگاه ها به برخورد و سرکوب ادامه می دهند و نوک حمله آنان دانشجویان دختر هستند.

**انترناسیونال:** فراخوان شما به دانشجویان و دانش آموزان و کلا جوانان در آستانه ۱۶ آذر چیست؟  
**نوید مینایی:** طبق شواهد و اخبار و اطلاعاتی که داریم ۱۶ آذر امسال با سال های گذشته بسیار متفاوت



## انقلاب در دانشگاه به پیش می رود "مرگ بر خامنه ای" در دانشگاه شیراز

فضای دانشگاه‌ها از بعد از ۱۳ آبان همچنان اعتراضی است. دانشجویان که روز ۱۳ آبان اعتراضات وسیعی در دانشگاه‌های مختلف برپا کرده بودند همچنان در اعتراض و اعتصاب به سر می‌برند. مطالبات و شعارهای دانشجویان در اعتراض به حکومت اسلامی و کاملاً سرنگونی طلبانه است و نشان از عزم راسخ آنان برای پیگیری اعتراضات شان دارد. از جمله شعارهای دانشجویان "مرگ بر خامنه ای"، "مرگ بر دیکتاتور" و زندانی سیاسی آزاد باید گردد است. دانشجویان دانشگاه شیراز که تجمع با شکوهی را در روز ۱۳ آبان برگزار کرده بودند، در اعتراض به دستگیری ۳۰۰ نفر از دوستانشان دست به اعتراض و تجمع زدند. دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز روز ۱۶ آبان در جمعی به وحشیگری نیروهای

سرکوبگر حکومتی و دستگیری دوستانشان اعتراض کرده و اقدام به اعتصاب غذا کردند. نیروهای سرکوبگر با باتوم الکتریکی و گاز اشک‌آور به دانشجویان حمله کردند، نوک حمله اوباش اسلامی به دانشجویان دختر بود. دانشجویان در مقابل با شعار "مرگ بر خامنه ای" و زندانی سیاسی آزاد باید گردد به تجمع خود ادامه دادند. در اثر حمله اوباش اسلامی تعدادی از دانشجویان آسیب جدی دیدند. دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر نیز روز ۱۶ آبان با اعتصاب غذا و چیدن سینی‌های غذای خود از محل غذاخوری تا مقابل دفتر ریاست دانشگاه به دستگیری دوستان خود، علی پرویز و سهیل محمدی، که پس از برنامه حضور صفار هرنندی در دانشکده برق دانشگاه خواجه نصیر توسط حراست دانشگاه به پلیس

امنیت معرفی شدند و نیمه شب قبل از ۱۳ آبان از خانه ی خود توسط نیروهای اطلاعات و پلیس امنیت ربوده شدند اعتراض کرده و خواهان آزادی دانشجویان زندانی شدند. فشار نیروهای سرکوبگر روی دانشجویان این دانشگاه زیاد است. اوباش وحشی اسلامی با کنترل ای میل‌ها و تماس‌های اینترنتی دانشجویان می‌خواهند فضای سرکوب و وحشت ایجاد کنند. دانشجویان به این تلاش‌های مذبوحانه اعتنا نمی‌کنند و با اعتراضات خود در مقابل آنان ایستاده و توطئه‌های آنان را خنثی می‌کنند. دانشجویان دانشگاه هرمزگان نیز از روز ۱۶ آبان به مدت یک هفته کلاس‌های درس و دانشگاه را در اعتراض به وضعیت وخیم امکانات دانشگاه و برخورد های سرکوبگرانه مسئولان دانشگاه، تعطیل کرده‌اند.

مرگ سعید نیکنام دانشجوی این دانشگاه که در اثر بیماری و نبودن امکانات بهداشتی و پزشکی جان خود را از دست داد نیز دانشجویان این دانشگاه را خشمگین کرده است. مسئولین این دانشگاه در مقابل اعتراضات دانشجویان به مرگ سعید و بیماری تعداد زیادی از دانشجویان دختر که به واسطه نداشتن خوابگاه بوده دست به تهدید دانشجویان زده‌اند، که این خود باعث خشم دانشجویان و بالاگرفتن اعتراضات آنان شده است.

مبارزات دانشجویان به ویژه در آستانه ۱۶ آذر تاثیر مهمی بر فضای جامعه دارد. دانشجویان همواره پیشروی مبارزه با حکومت اسلامی بوده‌اند و این بار هم با طرح مطالبات رادیکال و انسانی‌شان نوک حمله انقلاب و مبارزه مردم علیه حکومت اسلامی را پیش می‌برند. سازمان جوانان کمونیست جوانان و دانشجویان سراسر ایران را فرا می‌خواند حول مطالبات به حق و انسانی خود اعتراضاتشان

را سازمان دهند. آزادی همه دستگیر شدگان روزهای اخیر و همه زندانیان سیاسی، لغو مجازات اعدام، لغو احکام صادره برای دانشجویان و برچیده شدن نهادهای سرکوب، لغو آپارتاید جنسی و معرفی آمرین و عاملین کشتار مردم توسط حکومت از جمله مطالبات دانشجویان هستند که از جمله در شعار "حکومت اسلامی نمی‌خواهیم" متجلی می‌شوند.

حکومت جنایتکاران اسلامی نفس‌های آخرش را می‌کشد، برای بقا دست به هر جنایتی می‌زند و جنایات بی‌سابقه را از خود بروز می‌دهد، باید با قدرت انقلابی خود کل دوره وحشی‌گری حکومت اسلامی را کوتاه کنیم.

سرنگون باد جمهوری اسلامی  
زنده باد آزادی و برابری  
سازمان جوانان کمونیست  
۱۸ آبان ۸۸، ۱۰ نوامبر ۲۰۰۹

## اعتراض کارگران کف کار رشت

برای تحقق خواست‌های بحق خود ادامه دهند و با برگزاری مجمع عمومی تصمیمات لازم را بطور جمعی و متحدانه اتخاذ کنند. حزب از همه مردم رشت می‌خواهد که قاطعانه از اعتراض کارگران کف کار حمایت کنند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری  
مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران  
۹ نوامبر ۲۰۰۹، ۱۸ آبان ۱۳۸۸

بنابه خبری که امروز ۱۷ آبان ماه منتشر شده است، کارگران کف کار رشت صبح روز ۱۶ آبان ماه با تجمع در جلوی استانداری گیلان خواهان بازگشایی کارخانه و رسیدگی به مشکلات و بلاتکلیفی خود شده و دست به اعتراض زدند. کارگران که از وضعیت بسیار بد معیشتی خود گفته‌اند اعلام کرده‌اند که پنج سال است حقوقی نگرفته‌اند و وضعیت بازنشستگان کارخانه هم نامشخص است.

حزب کمونیست کارگری از همه کارگران این کارخانه، اعم از بازنشسته و غیربازنشسته، می‌خواهد که دوش به دوش هم به مبارزه

یکپارچه اعتراض کنند. رژیم در بحرانی لاعلاج دست و پا می‌زند، از این شرایط باید استفاده کرد و یکپارچه و با تمام قوا به خیابان آمد و جانینان را سر جایشان نشانند.

کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۸ آبان ۸۸، ۹ نوامبر ۲۰۰۹

## کارگران ساختمان پالایشگاه آبادان دست به اعتصاب زدند

اعتراضی کارگران کارفرما در جمع کارگران حاضر شد و قول داد ۲۰ درصد حقوق عقب افتاده را در اسرع وقت پرداخت کند. کارگران به تجمع خود پایان دادند و اعلام کردند در صورتی که این قول و قرار فوراً اجرا نشود بار دیگر دست به اعتراض خواهند زد.

حزب کمونیست کارگری از

اعتراض کارگران پالایشگاه قاطعانه حمایت می‌کند و کلیه کارگران پالایشگاه را به پشتیبانی از کارگران ساختمان نصب فرامی‌خواند. نباید اجازه دهیم حتی یک روز چندرغاز حقوقمان را به تاخیر بیندازند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۱ آبان ۱۳۸۸، ۱۲ نوامبر ۲۰۰۹

## قتل یک کارگر مرزی توسط مزدوران رژیم

بیمارستان درگذشت. مزدوران رژیم اسلامی در آخرین روزهای عمر کشیفشان و برای بقاء خود و چپاول هر چه بیشتر مردم، دست به هر گونه جنایت، قتل و کشتاری می‌زنند. کمین گذاری در مسیر راه کارگران مرزا و تیراندازی به سوی آنان به امری هر روزه تبدیل شده است. باید قاطعانه در مقابل این جنایت ایستاد و نسبت به آن اعتراض گسترده ای به راه انداخت.

کمیته کردستان حزب ضمن تسلیم به همسر، فرزندان، بستگان قادر احمدپور و به برادرش خدر احمدپور، این عمل جنایتکارانه رژیم اسلامی را شدیداً محکوم می‌کند و از همه مردم شهر و روستاهای منطقه سردشت و از همه انسانهای آزادیخواه می‌خواهد که ضمن محکوم کردن جنایات هر روزه مزدوران رژیم در قتل کارگران مرزی، تیراندازی، کمین گذاری و غارت وسایل آنان متحد و

بنا به خبری که به حزب رسیده است در تاریخ ۱۱ آبان ۸۸ نیروهای مزدور رژیم شب هنگام به سوی کارگران مرزی در نوار مرزی سردشت تیراندازی کردند که یکی از کارگران بنام قادر احمد پور ۳۰ ساله، دارای همسر و دو فرزند زخمی می‌شود. قادر در حالی که زخمی بود تا نزدیکی های صبح در دره ای تنها مانده بود و روز بعد اهالی و بستگانش بدن نیمه جان او را یافتند که متأسفانه تا قبل از رساندنش به

**یک دنیای بهتر**  
**برنامه حزب**  
**را بخوانید**  
**و در سطح وسیع**  
**توزیع کنید**

## پخش کانال جدید از اینترنت

به اطلاع میرسانیم که پخش برنامه های کانال جدید از طریق اینترنت از روز دوشنبه 16 نوامبر به صورت 24 ساعته آغاز خواهد شد. برای دیدن برنامه ها میتوانید به آدرس کانال جدید (www.newchannel.tv) و یا سایت روزنه (www.rowzane.com) مراجعه کنید. این خبر را به دوستان و آشنایان خود اطلاع دهید.

همزمان تلاش ما برای بازگشت تلویزیون کانال جدید به ماهواره ادامه دارد و امیدواریم پخش تلویزیونی برنامه های کانال جدید از ماهواره نیز بزودی از سر گرفته شود.

کانال جدید

12 نوامبر 2009، 21 آبان 1388

## اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران در مورد قطع مجدد کانال جدید

ایده ها و آرمانهایی که کانال جدید نمایندگی میکرد شریک میدانند به گسترش فعالیت برای تبلیغ این ایده ها و بسیج و متحد کردن و سازمان دادن کارگران و مردم شریف و آزادیخواه فرامیخوانیم.

حزب کمونیست کارگری همه مدافعین سوسیالیسم، کارگران، زنان و همه جوانان و مردم آزاده را به پیوستن به صفوف این حزب برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برچیدن بساط استثمار و نابرابری و ظلم و بیحقوقی فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۵ آبان ۱۳۸۸، ۶ نوامبر ۲۰۰۹

تداوم و رادیکالیزه شدن انقلاب جاری در ایران داشت و به همین دلیل مورد هجوم قرار گرفت و بسته شد و میلیونها بیننده علاقمند از دیدن آن محروم شدند. اما ایده ها و آرمانهایی که کانال جدید مبلغ آنها بود و انبوه مردم را پای برنامه های خود میکشاند نه قابل جمع کردن است نه با پارازیت و سانسور و سرکوب از بین میرود. ایده ای که توده ای میشود به یک نیروی مادی غیرقابل حذف تبدیل میشود.

ما ضمن تلاش برای راه اندازی مجدد کانال جدید، همه مردم آزادیخواه، همه دوستداران کانال جدید و همه کسانی که خود را در

کانال جدید که بدنبال يك وقفه دو ماه و نیمه مجددا کار خود را از ۱۳ اکتبر (۲۱ مهر ۸۸) شروع کرده بود بار دیگر بدنبال فشارهای جمهوری اسلامی بر کمپانی هاتبرد تعطیل شد.

کانال جدید نقش مهمی در آگاهگری و بسیج و سازماندهی کارگران و مردم علیه جمهوری اسلامی و نظام ناعادلانه سرمایه داری، علیه خرافه و سنت های ضدن و ضدانسانی داشت، نقشی بسیار ارزنده و تاریخی در رواج وسیع ایده های کمونیستی و محبوبیت حزب کمونیست کارگری ایفا کرد و تاثیر بسزایی بر مبارزات مردم و بویژه در

## اتحادیه کارگری در استرالیا، در حمایت از کارگران هفته تپه و در اعتراض به حکومت اسلامی

اتحادیه کارگران ساختمانی، جنگلبانی، معادن و انرژی استرالیا CFMEU بخش ساختمانی ایالت نیو ساوت ویلز طی يك نامه به مقامات جمهوری اسلامی در رابطه با احکام و زندانی کردن اعضای سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه اعتراض کردند.

در این نامه که خطاب به خامنه ای و احمدی نژاد و رئیس قوه قضاییه است، پیتر مک لند، رئیس ایالتی CFMEU نوشته است که "من از سوی اتحادیه کارگران ساختمانی، جنگلبانی، معادن و انرژی استرالیا این نامه را برای شما ارسال میکنم. این اتحادیه در ایالت نیو ساوت ویلز ۲۸ هزار کارگر ساختمانی را نمایندگی میکند. این شعبه از اتحادیه نگرشی فعال نسبت به کلیه مسائل حقوق بشر و حقوق اتحادیه های کارگری در سراسر جهان مبذول می دارد. ما نگرانی عمیق و جدی خود را

### از صفحه ۱۴ دانش آموزان و دانشجویان ...

نمایندگی می کنند و باید شعارهای اصلی اعتراضات و تظاهرات ها باشند.

جوانان در دانشگاه و مدرسه نقشی اساسی و تعیین کننده در سرنگونی جمهوری نکت اسلامی و پیروزی انقلاب دارند. مهم است که نماینده انسانی ترین و پیشرو ترین مطالبات در جامعه باشند و این خواست ها را در جامعه به خواسته های عمومی تبدیل کنند. جوانان باید در مقابل شعارها و مطالبات عقب مانده ای مثل بازگشت به دوران امام و یا رعایت قانون اساسی جمهوری اسلامی و اسلامی کردن دانشگاه ها و جامعه بایستند و نماینده تمام و کمال انسانیت مدرن و امروزی باشند، همانطور که در زندگی عادی و روزمره شان هستند و می خواهند آزاد و برابر زندگی کنند.\*

از جمله عرصه های نبرد جوانان و مردم بوده و هست.

فراخوان من به جوانان و نو جوانان این است که این مطالبات و خواسته هایی که همیشه برایش جنگیده اند را در مبارزاتشان مطرح کنند و حول این مطالبات متحد شوند. مبارزه شان را به خیابان بکشانند و مردم را به صفوف خود با شعار های خود دعوت کنند. بیانییه بدهند، شعار نویسی کنند و فضای جامعه را حول این مطالبات متمرکز کنند. "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "مرگ بر دیکتاتور"، "نه به حجاب و نه به آپارتاید جنسی"، "سرکوب زنان موقوف"، "مجازات اعدام لغو باید گردد"، "زندگی مرفه حق مسلم ماست" از جمله شعارهایی هستند که مطالبات امروز جوانان و مردم را

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم

و بدون "خطر" سوسیالیسم

به چه منجلابی بدل میشود!

## جمعی از مردم سندج دست به تظاهرات زدند

### حکم اعدام فرزندانمان را لغو کنید

### زندانی سیاسی آزاد باید گردد

فرامیخواند که برای آزادی دستگیرشدگان دست به اعتراض بزنند و خانواده دستگیرشدگان را تنها نگذارند. کلیه زندانیان سیاسی فوراً و بی قید و شرط باید آزاد شوند و مجازات اعدام و احکام اعدام کلیه زندانیان فوراً لغو شود. این دو خواست فوری انقلاب مردم ایران است.

آزادی، برابری، حکومت کارگری  
مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۱ آبانماه ۱۳۸۸، ۱۲ نوامبر ۲۰۰۹

نیروی انتظامی و مزدوران وزارت اطلاعات قرار گرفتند و تعدادی از آنها دستگیر شدند. در این تظاهرات ابتدا حدود ۵۰ نفر شرکت داشتند و بتدریج مردم در طول راه به آنها پیوستند.

با حمله ماموران به جمعیت، مردم نیز متقابلاً به طرف آنها حمله ور شدند و آنها را ره کردند. از تعداد دستگیرشدگان خبر دقیقی نرسیده است اما خبرنگار حزب خود شاهد دستگیری حداقل سه نفر از تظاهرات کنندگان بوده است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری به تظاهرات کنندگان امروز در سندج درود میفرستد و همه مردم سندج را

بنا به خبری که به کمیته کردستان حزب رسیده است، امروز پنجشنبه ۲۱ آبانماه در ساعت پنج بعدازظهر تعدادی از زنان و جوانان سندج با در دست داشتن پلاکاردها و نوشته هایی از خیابان آزادی به طرف انقلاب تظاهرات کردند. در این تظاهرات که در اعتراض به اعدام احسان فتاحیان صورت گرفت، تظاهرات کنندگان پلاکاردهایی با این شعارها در دست داشتند: "حکم اعدام فرزندانمان را لغو کنید" و "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و شعار میدادند "گرمانشاه اتحاد اتحاد". تظاهرات کنندگان پس از طی مسافتی از خیابان فردوسی و چهارراه خیابان نمکی، مورد یورش